

نماید و همین که وثیقه برای حصول امنیت بدست آید عودت داده خواهد شد. مسیو چاریکوف در موقعیکه مضمون تلگراف فوق‌الذکر شما را برای او بیان نمودم بطور حتم مرا اطمینان داد اگر تصور شود که اقدامی از طرف دولت شده چنین مقاصدی در برداشته این نظریات بکلی با حقیقت مسئله مابینت دارد. برای دولت روس امکان نداشت مبر کند تا آنکه تبعه روس در آنجا کشته شوند و هر گاه چنین واقعاتی رخ دهد، اقدامات بسیار سخت‌تر باید بعمل آید و جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] عنوان نمود که اقداماتی که دولت روس فعلاً نموده‌اند فقط از برای احتیاط بوده و یقین بود از این که هر گاه چنین حادثه در جنوب ایران به عرصه وقوع رسد دولت اعلیحضرتی هم در این قسم موارد همین گونه اقدامات خواهند نمود. دولت روس بهیچوجه من‌الوجه میل یا قصد مداخله در امور ایران را ندارد و استقرار امنیت تبریز توسط هر که باشد برای آن دولت تفاوتی نمی‌کند و آنها مایل به استقرار امنیت می‌باشند. تصور اینکه دولت روس می‌خواهد حکمفرمایی شاه را رجعت داده یا آنکه مشروطیین را سرکوبی دهد خارج از موضوع است. من به جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اظهار داشتم که آنچه تا کنون بیان نموده‌ام عقیده دولت اعلیحضرت نیست ولی گفتم عقیده اهالی بسیار نقاط انگلستان ممکن است این باشد. مسیو چاریکوف [=چریکوف] در جواب اظهار نمود که مشتاقانه امیدوار است برای اینکه دولت اعلیحضرتی حتی‌القدر رفع اینگونه سوء تفاهمات را نموده و عموم را از حقیقت و مقصود این اقدام که دولت روس برای امداد مستحفظین قنصلخانه نموده که در موقع خطر تبعه و تأسیسات آن دولت را حفاظت نمایند واقف خواهند نمود. جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] بعلاوه اظهار داشتند که ۳۰۰ الی ۵۰۰ نفر از رولوسیونرهای قفقاز در جزو قشون ستارخان می‌باشند و خیلی شرارت می‌کنند. من تحقیق نمودم چرا مأمورین روس آنها را در محلات خود نگاه نداشته‌اند. جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] در جواب گفتند غیر ممکن است یک سرحد طویل کوهستانی را بتوان محافظت نمود بطوری که کسی نتواند خارج شود، و قرار است که مقصود محدود اعزام این قشون را و عدم قصد مداخله در امور داخلی ایران را در گزت^۱ رسمی اعلان نمایند. در جواب سؤال من که آیا قنصل جنرال مقیم تبریز خطر را سخت و آجل می‌پندارد جناب معظم‌الیه [=معظم‌له] اظهار داشتند بلی همینطور است، گمان می‌کنم غیر ممکن باشد دولت روس را راغب به تجدید تصمیم‌شان بنمایم و بنظر می‌آید آن دولت را یقین حاصل است که هر گاه خطرات منتظره را اهمیت ندهند^۲ یعنی خطراتی که آن دولت از وجود آن ظاهراً یقین دارند - مسئولیت بسیار مهمی به گردن گرفته‌اند.

www.adabestanekave.com

(۱) گزت = روزنامه، مجله رسمی. م. س. س. (۲) اصل: نداده

نمره - ۲۶۹

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۱۹ اکتوبر) طهران ، ۱۹ اکتوبر ۱۹۰۸

[۲۶ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۳ رمضان ۱۳۲۶]

کفیل جنرال قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز راپورت می دهد که فعلا مشغول تنظیم پلیسها هستند و بازارها یحتمل تا آخر ماه مفتوح خواهد گردید. م. هم مشغول انبار کردن گندم برای موقع محاصره شهر می باشند و تهیات بسیار برای مقاومت قشون امدادی می بینند.

نمره - ۲۷۰

تلگراف سرآرتور نیکلسن به سرادواردگری (واصله ۲۰ اکتوبر [اکتبر])

سنت پترز بورغ، ۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۲۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۶]

تبریز
مسیو چاریکوف [چریکوف] را که امروز ملاقات کردم به من اظهار داشت که دسته ای که باید به مستحقظین قنصلخانه تبریز اضافه شوند ازجلفا حرکت نخواهند نمود چرا که اخباری که از آنجا واصل گردیده بهتر است واز قرار معلوم تا يك اندازه نظم در آنجا برقرار می شود. این مسئله تلگرافی به سفیر روس مقیم طهران مخابره شده و او نیز اطلاع یافته است که تا زمانی که جنرال قنصل روس مقیم تبریز آن قشون را نخواسته است باید در خاک روس بمانند. به جنرال قنصل تعلیم داده شده بود که تا زمانی که جان اتباع روس یا سایر اروپائیان را در معرض خطر نبیند آن دسته قشون را طلب ننماید.

نمره - ۲۷۱

تلگراف سرادواردگری به سرآرتور نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۲۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۶]

اغتشاشات اخیره تبریز
از کونت [کنت] بنکندرف شنیدم که به علت اظهار عقیده ای که من نمودم و به جهت اینکه فعلا تبریز آرام است و ستارخان اقدامات برای حفظ اهالی می نماید به قشون روس امر داده شده که در جلفا که در سرحد واقع است توقف نمایند و شما باید دولت روس را مسبوق نمایید که از اینکه آن دولت اظهارات مرا اصغاء نموده اند رضایت داشته و از فعلیت دادن به آن بسیار خوشوقت می باشم.

نمره - ۲۷۲

تلگراف سرادوار دگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۱ آکتوبر ۱۹۰۸

[۲۸ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف دوم شهر جاری سر جارج [جرج] بار کلی، به نظر مطلوب می‌آید که شما با کفیل وزارت امور خارجه در باب این مسئله مشورت نمایید که آیا حالا موقع مناسبی است برای آنکه سفرای روس و انگلیس مقیم طهران به شاه پیشنهاد نمایند که تبریز را از این قید و دست و پا بستگی آزاد ساخته و از حکومت مشروطه محروم نسازند. ظاهراً این بهترین وسیله حصول و تأمین امنیت و آرامی تبریز است که در آنجا منافع تجارتي روس آنقدر دارای اهمیت است.

نمره - ۲۷۳

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترز بورغ، ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۳۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۶]

مشروطیت و انتخابات راجع به تلگراف ۲۱ شهر جاری شما، مسیو چاریکف [چریکوف] با این پیشنهاد موافقت دارد که حالا در باب این مسئله و توسعه قانون تا تبریز به شاه پیشنهاد شود و چنانچه ارائه طریق می‌نماید شکل و طرز پیشنهادات بایستی به مشورت نمایندگان روس و انگلیس مرتب شود.

نمره - ۲۷۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جارج [جرج] بار کلی

وزارت خارجه، ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۳۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۶]

مشروطیت ایران

لطف نموده رجوع به تلگراف امروز سر آرتر نیکلسن بنمایید. من شما را مختار می‌کنم که چنانچه پیشنهاد نموده‌اید باتفاق مسیو دوهارت ویک عمل نمایید.

نمره - ۲۷۵

تلگراف سرادواردگری به سرآرتور نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ آکتوبر ۱۹۰۸

[۳۰ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۷ رمضان ۱۳۲۶]

مشروطیت ایران

تلگراف امروز شما واصل گردید و برطبق آن به سفیر اعلیحضرتی مقیم طهران تعلیمات فرستادم. شما باید کفیل وزارت امور خارجه روس را از این مسئله مستحضر دارید.

نمره - ۲۷۶

تلگراف سر آرتور نیکلسن به سرادواردگری (واصله ۲۴ آکتوبر [اکتبر])

سنت پترزبورغ، ۲۴ آکتوبر ۱۹۰۸

[یکم آبان ۱۲۸۷؛ ۲۸ رمضان ۱۳۲۶]

مسیو چاریکوف [=چریکوف] مرا اطلاع می دهد که به مسیو دوهارت ویک تعلیمات رسیده که نه او و نه قنصل روس مقیم تبریز نبایستی مستقیماً به قشون روس که ساخلوی جلفا هستند برای معاونت رجوع نمایند. ولی هرگاه جان اتباع روس در خطر باشد بایستی دولت روس را از آن مستحضر ساخته آن دولت اوامر لازمه ای را که مقتضی و مناسب دارد [داند] صادر خواهند نمود. به عقیده مسیو چاریکوف نظر به بهبودی اوضاع تبریز به نظر بهتر می آید که عنان کنترل حرکات قشون روس به دست خود آن دولت باشد. من اظهار داشتم با این عقیده که تصمیم اینکه در هر موردی آیا کمک لزوم دارد یا ندارد با دولت مرکزی باشد و نه با کارگزاران مقیم ایران، همراه هستم.

نمره - ۲۷۷

مکتوب مستر مارلینگ به سرادواردگری (واصله ۲۶ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۲۹ سپتامبر ۱۹۰۸

[۶ مهر ۱۲۸۷؛ ۳ رمضان ۱۳۲۶]

آقا

مسیو بیزو در ۲۵ شهر جاری [۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۹ رمضان ۱۳۲۶] از من ملاقات نموده اظهار داشت که شاه همان روز صبح او را در اردوی خود احضار نموده واز او خواهش نموده است یک وسیله برای بدست آوردن مبلغ زیادی پول که برای پرداخت حقوق و تهیه آنوقه عساکر تبریز کمال لزوم را پیدا نموده بدست آورد. در ابتدای او اصرار شده است که مساعده چهارصد هزار لیرا [=لیره] را از انگلیس و روس تحصیل نماید ولی

همینکه او اشعار نموده است که دولت ایران ابراز قصد انجام شرایطی را که دولتین در مقابل پرداخت این مساعده درخواست می‌نمایند ننموده و بنابراین او نمی‌تواند این پیشنهاد را به سفارتین بکند، صدراعظم پرسید آیا در صورتی که او (مشیرالسلطنه) جواهرات خود را رهن بگذارد مسیو بیزو نمی‌تواند دولت را بواسطه تحصیل پول کمک نماید؟ مسیو بیزو در جواب اظهار داشت که البته او نمی‌تواند وزراء را مانع شود از اینکه از راه معامله شخصی تحصیل پول نمایند ولی با هرگونه اقدام دولت در اینکه بدین وسایل بطور غیر مستقیم تحصیل پول نمایند مخالف خواهد بود.

من به مسیو بیزو عنوان نمودم که کاملاً موافقت دارم با عقیده اینکه در تحت اوضاع حالیه غیر ممکن است ایران را به امید اینکه از دولتین تحصیل معاونت مالی نماید تشویق نمود و محتمل نمی‌پندارم که بانک شاهنشاهی ایران یا بانک استقراضی در عوض رهن جواهرات مشیرالسلطنه پول قرض بدهند چرا که می‌دانند که آخر الامر این پول بموجب دستخطی از شاه به حساب دولت محسوب و منتقل خواهد گردید. من نیز با رأی او موافقت نمودم در اینکه فقط راهی برای آنکه به مساعی خانه خراب کن مجنونانه دولت در تحصیل پول خاتمه داده شود آن است که تحصیل آن برای آن دولت مشکل گردد و به آنها فهمانیده شود که فقط امید تحصیل معاونت مالی از دولتین یا از بانکها در این است که قبول اعمال بعضی اقدامات برای رفورم نمایند.

همان روز بعد از ظهر مسیو بیزو با سفیر روس و وکیل مالی روس مشورت نمود و چون عقاید هر دو آنها با عقیده خودش موافقت داشت، بشرط قبول آن از طرف من، قرار داده شد که مسیو بیزو و مسیو اوسترو گراتسکی روز بعد به دیدن صدراعظم رفته و به ایشان اظهار نمایند که تا زمانی که امورات مالی بطرز حالیه اداره می‌شود دولت نباید انتظار همراهی از سفارتین یا از بانکها داشته باشد.

این دوشخص روز بعد مطالب خود را به عرض شاه رسانیدند.

(امضا) چارلز مارلینگ

نمره - ۲۷۸

تلگراف مستر مارلینگ به سرادواری (واصله ۲۶ آکتوبر [اکتبر])

طهران، ۳۰ [سپتامبر] ۱۹۰۸

[۷ مهر ۱۲۸۷؛ ۴ رمضان ۱۳۲۶]

آقا

راجع به مکتوب ۱۰ سپتامبر خود افتخاراً سواد مکتوب ۱۸ شهر جاری وزیر امور خارجه را که حاوی دستخط شاه در جواب پیشنهادات متحدالمآل سفارتین انگلیس و روس است که اعلیحضرت را نصیحت نموده‌اند که مجلس را در ۱۴ نوامبر مفتوح داشته و اهالی تبریز را از قصد خود مستحضر دارد جوقاً ایفاد می‌دارم.

(۱) به همین گونه است در اصل از قرائن باید تاریخ تلگراف ۳۰ سپتامبر باشد. ر.ک. ش. ۲۸۱. م.

این جواب که آخر الامر فرستاده شده در حقیقت امتناع صاف و ساده‌ای است از اعتناء به نصایح دولتین و نمی‌توان چیز دیگری از آن بدست آورد. این جواب حقیقتاً آنقدر مخالف مأمول^۱ بود که سفیر روس خود را مجبور دانست پیغامی برای شاه فرستاده به آن اعلیحضرت اصرار نماید که برای اصلاح و رفع تأثیر بدی که در اذهان لندن و سنت پترزبورغ پدیدار خواهد گردید يك اقدام فوری بنمایند و نگذارند که سفارتین در این باب بیشتر دنبال کنند. در ۱۱ شهر جاری مسیو هارتویک به حصول نیم وعده از شاه درباب طبع و انتشار قانون جدید انتخابات در ۲۴ شهر جاری و افتتاح پارلمان در غره نوامبر (۱۴) یعنی در تاریخی که در مکتوب متحدالمال گردیده بود موفق گردید و روز ۲۲ شهر جاری وزیر امور خارجه از من ملاقات نموده و در ضمن به يك مراسله شخصی که من نوشته و حضرت اشرف ایشان را متنبه ساخته بودم که دولت اعلیحضرتی جواب شاه را قبول نخواهد نمود رجوع کرده و از من استفسار نمودند آیا اعلانی که شاه وعده داده است منتشر نماید به نظر شما چطور می‌آید؟ من به حضرت اشرف ایشان اظهار داشتم یقین دارم این اقدام از روی عقل است و چنانچه از مکتوب سفیر روس هم که برای من رسیده [دریافته می‌شود] عقیده ایشان هم همین است. سپس علاءالسلطنه از من پرسیدند که آیا می‌خواهم درباب اوضاع پلتیکی با شاه مذاکره نمایم؟ و شاه مایل است که وضعیت خود را برای من توضیح نماید؟ من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت دو ماه قبل خواهش عزل مرا نموده بود و اگر حالا بخواهد مرا بپذیرد این مسئله غریبی است ولی با این حال او امر آن اعلیحضرت را اطاعت می‌نمایم و بنا بر این قرار شد که روز ۲۴ شهر جاری به حضور شاه شرفیاب شوم.

وقتی که حضور شاه رفتن آن اعلیحضرت در چادر دورویی که اطراف آن باز و سقف آن با مخمل زردوزی شده پوشیده بود جلوس فرموده پس از احوال‌پرسی آن اعلیحضرت اظهار تأسف نمود از اینکه چرا در این مدت متمادی مرا ندیده بودند! طولی نکشید که آن اعلیحضرت در باب مطالب پلتیکی شروع به صحبت نمود و همینکه من شروع به اصرار در این مسئله کردم که نظر به مصالح و منافع خودش برای او مناسب خواهد بود که نصایح دولتین انگلیس و روس را قبول نماید، آن اعلیحضرت مرا اطمینان داد که دستخط حاوی قانون انتخابات جدید و اعلان اجرای انتخابات به همین زودیها و انعقاد پارلمان را در همان روز طبع و منتشر خواهد نمود. من اظهار داشتم از استماع این تصمیم عاقلانه آن اعلیحضرت که البته اسباب رضایت دولت اعلیحضرتی خواهد بود مشعوف هستم. سپس شاه درباب مجلس سابق صحبت کرده و اظهار فرمودند مجلس سابق مرکب بود از اشخاص جاهل و نقشه آنها این بود که برای من اسباب زحمت فراهم آرند و انجمنهایی که همان اندازه شرارت کار و بانقشه آنها شریک بودند از ایشان تقویت می‌نمودند و در هر گونه مسائلی که بکلی خارج از لیاقت و کفایت آنها بود مداخله می‌نمودند و امیدوارم در تحت قانون جدید انتخابات يك مجلسی که در حقیقت مفید باشد افتتاح گردد. من اظهار داشتم عقیده من در يك مسئله با اعلیحضرت مخالفت دارد و آن این است که شاید اعضای مجلس

(۱) مأمول = آرزو - چشمداشت - انتظار. - م.

سابق جاهل بوده و در امورات خارج از وظیفه خود دخالت می نمودند، ولی یقین دارم که آنها در میل خود در بهبودی اوضاع مملکت صمیمیت داشتند و البته ترقی آن امکان داشت ولی امیدوارم که قانون انتخاباتی که در شرف طبع و نشر است این مسئله را به انجام رساند و در هر صورت بواسطه افتتاح پارلمان جدید آن اشخاصی که وانمود می کردند اعلیحضرت می خواهد مشروطیت را معدوم سازد دروغگو خواهند درآمد و همین اقدام به انقلابی که شیرازه مملکت را از هم گسیخته و دولت را فلج می نمود خاتمه خواهد داد. در ابتدا بواسطه میل مردم به داشتن حکومت خوبی بود که برای اعطای مشروطیت بنای داد و فریاد گذاردند و حالا برای شاه مقتضی است که عطف نظری به اصلاحات بنماید. شاه در جواب خود فوراً اظهار داشت من با نهایت ثبات مصمم هستم که هر يك از ادارات دولتی را اصلاح نمایم و ابتدا از وزارت مالیه شروع کرده و از خدمات مستشار مالیه که از قابلیت و صفات حمیده او یقین کامل دارم استفاده بسیار خواهد نمود. من اظهار داشتم که آن اعلیحضرت نمی تواند مستشاری بهتر از مسیو بیزو پیدا نماید ولی از مخالفتی که تاکنون با او شده می توانیم بگوییم که حکومت حاضر ایران هم با او کمک و همراهی زیادی نخواهد نمود و نهایت درجه اهمیت را دارد که در اطراف شاه وزرانی باشند که مثل اعلیحضرت همینطور میل به اعمال و اجرای رفورم داشته باشند. در این مسئله هیچ گفتگویی نیست که ناصحین حالیه آن اعلیحضرت آن طوری که مطلوب است دست از نفع شخصی خود بر نمی دارند و امیدوارم اشخاص دیگر به جای آنها منصوب خواهند گردید. یکی از علل عدم پیشرفت و ترقی پارلمان سابق این بود که وزرای با کفایت با جزیره روی کار نبودند که وظایف حقیقی آنرا تشریح نموده و در اوایل افتتاح آنها را هادی باشند ولی بدبختانه حالا هم اثری از آنها هویدانیست و معلوم نیست که امورات از این حیث خیلی بهتر شده باشد. اصلاحات تماماً بسته به اقدامات خود اعلیحضرت است و امیدوارم که این موقع و فرصتی را که کمتر برای سلاطین سابق بدست آمده و هرگاه آنرا از دست بدهند شاید دیگر حصول آن میسر نگردد مقتنم شمرده. شاه در جواب اظهار فرمود که او مسئله لزوم همراهی صمیمانه وزراء را با خود بخوبی ملتفت است و مواظب خواهد بود که بر حسب میل او عمل شود و قانون جدید انتخابات انتخاب و کلای با فهم و معتدل را که در امورات رفورم مداخله نمایند تأمین می کند.

بعد در باب مطالب عمومی صحبت در میان بود و قریب يك ساعت و ربع من حضور شاه بودم.

هنگامی که به سفارت رسیدم راپورت داده شد که همان صبح دستخطی از طرف شاه در بازارها منتشر گردیده بود ولی پس از تحقیق عدم صحت آن خبر معلوم گردید. از قرار معلوم سواد يك قسم اعلانی نوشته شده و حتی برای طبع هم فرستاده شده بود ولی مواد آن آنقدر برخلاف دلخواه بوده است که به شاه نصیحت نموده اند آنرا اعلان ننمایند. از قرار مذکور در آن اعلان تاریخ شروع به انتخابات و افتتاح مجلس مذکور نگردیده و افتتاح مجلس سنا و مجلس عام اعلان شده ولی قانون انتخابات برای اعضای مجلس

عام را بطوری مرتب نموده بودند که منتخبین بهیچوجه صورت نمایندگی ملی نداشته و در حقیقت از طرفداران شاه انتخاب می‌شدند.

(امضاء) چارلز مارلینگ

ملفوف نمره ۲۷۸

ترجمه مکتوب علاءالسلطنه به مستر مارلینگ

۱۸ سپتامبر ۱۹۰۸

[۲۶ شهریور ۱۲۸۷؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۶]

آقا

مکتوب ۸ شهر جاری شما را به شاه تقدیم نموده اکنون حسب الامر آن اعلیحضرت جوابی که فرموده‌اند به جناب شما ابلاغ می‌نمایم:

چنانچه اهالی مملکت و نمایندگان دولتین را به تأسیس مجلسی که مناسب مقتضیات مملکت و بروفق قوانین مذهبی و مقام مقدس شاه بود مجدداً باعث هرج و مرج و اغتشاش نباشد وعده داده‌ایم الحال در صدد تهیه ملزومات آن هستیم. اکنون که ایشان در این باب شرحی نوشته‌اند امید است که در تاریخی که تعیین نموده‌اند اعلانی برای افتتاح مجلس مبعوثان صادر شود ولی چنانچه نوشته می‌شود افتتاح این مجلس پس از اعاده نظم آذربایجان خواهد بود و آنوقت اولیاء امور ایران فرصت خواهند داشت که ترتیبات تأسیس و اجتماع نمایندگان و افتتاح آن را فراهم آرند.

محض استحضار شما به مراتب فوق زحمت‌افزا شدم.

(امضا و مهر) محمدعلی علاءالسلطنه

نمره - ۲۷۹

مکتوب سر جارج [جرج] بارکلی به سرادواریگری (واصله ۲۶ اکتوبر [اکتبر])

طهران ۲۰ اکتوبر ۱۹۰۸

[۹ مهر ۱۲۸۷؛ ۶ رمضان ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مکتوب ۱۰ شهر ماضی [۱۸ شهریور؛ ۱۳ شعبان] مستر مارلینگ افتخاراً عرض می‌نمایم که در عرض ماه گذشته چندان در مذاکرات که فیما بین نمایندگان ملت و فرمانفرما در تبریز شروع شده بود و در طی مراسلات فوق‌الذکر راپورت آن داده شده پیشرفتی حاصل نگردید. در موقعی که در ۱۱ ماه گذشته [۱۹ شهریور؛ ۱۴ شعبان] اجلاسی منعقد گردیده و فرمانفرما بطور وضوح اظهار عدم میل نمود براینکه نازمانی که شورشیان سر تسلیم پیش نیاوردند با خواهشات آنها موافقت نخواهد نمود یک دسته از اکراد ماکوئی با چند عراده توپ حمله شدیدی بطرف شمال غربی شهر نمودند. ملیین اکراد را عقب نشانده آنها اردوی خود را با یک عراده توپ و دوازده بار آذوقه و مهمات جنگی ترك نمودند. تلفات طرفین به دویست نفر تخمین شد.

در عرض هفته بعد طرفین اقدامی ننموده تا ۲۲ شهر گذشته فرمانفرما اولتیماتومی صادر نموده ملیین را ۳۸ ساعت مهلت داد که تسلیم شوند و در صورت عدم آن تهدید به بمباردمان شهر نمود. حضرت اشرف ایشان قصد خود را به قنصلخانهها اعلان نموده واز آنها درخواست نمود که چون نمیخواهد مسئولیت حفظ جان اتباع خارجه را که جزو شورشیان بوده اند به عهده گیرد آنها را از میان شورشیان خارج نمایند.

مستر استونز [استیونس] بر حسب تعلیمات مستر مارلینگک جواب داد که چون محله ای که مسیحیان در آن سکنی دارند به دست رولوسیونرها است و در جزو آن قسمتی است که تهدید به بمباردمان آن شده تبعه انگلیس اگر چه جزو جنگیان نبوده اند طوری شده که مجبور به بودن در میان شورشیان شده اند و او نمی تواند عدم مسئولیت دولت ایران را در باب امنیت جان و مال آنها قبول نماید.

مدت مهلت در طلوع صبح ۲۴ شهر ماضی [یکم مهر؛ ۲۷ شعبان] منقضی گردید، بدون آنکه از شورشیان آثار تسلیم ظاهر گردد، و بعد از ظهر همان روز به بمباردمان شروع شد. از طرف قشون شاه تا دو روز شلیک شد، اگر چه به عمارات شهر چندان صدمه نمی توانست وارد نماید و سواره ماکوئی هم در این حمله شرکت داشت. ملیین مقامات خود را حفظ نموده و اقدامی که برای سرکوبی آنها شده بود موفقیت حاصل ننمود. سپس مذاکرات دو مرتبه مابین طرفین جاری گردید و جنرال قنصل روس هم در این مذاکرات شرکت داشت ولی تا اندازه ای که بر من مفهوم گردیده نتیجه قطعی از آن بدست نیامده.

(امضا) جارج بارکلی

نمره - ۲۸۰

مراسله سر جارج [جرج] بارکلی به سرادواری مورشه ۱۷ اکتبر ۱۹۰۸
[۲۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۶]

از طهران

آقا

افتخار دارم که مجملی از حوادث چهار هفته اخیر در ایران را بطور معمول انقاد دارم. جرج بارکلی

ملفوف در نمره ۲۸۰

مجمل حوادث ماهیانه ایران

طهران

سر جرج بارکلی در غره ماه اکتبر وارد طهران گردید و در ۳ ماه اکتبر [۱۰ مهر؛ ۷ رمضان] نامه خود را به شاه تقدیم نمود. مستر مارلینگک در ۶ ماه اکتبر [۱۳ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۰ رمضان ۱۳۲۶] از طهران حرکت نمود. در ۲۴ ماه سپتامبر [یکم مهر؛ ۲۷ شعبان] بنا بر خواهش شاه مستر مارلینگک خدمت

آن اعلیحضرت مشرف شده مسائل سیاسی جاریه مورد مذاکره قرار گردید [گرفت]. (اعضا) چرچیل، منشی السنه شرقی

رشت

هرج و مرج هنوز هم در تالش حکم فرما است. در این ایام نایب‌الحکومه تالش دولاب را با سی سوار به خفت از آنجا بیرون نمودند. حاکم گیلان در اواخر ماه سپتامبر با عده‌ای سرباز برای اعاده نظم بطرف تالش حرکت نمود ولی بواسطه باران شدید نتوانست که پیش برود. سربازان بواسطه نداشتن غذا و ملبوس دچار زحمات شده‌اند. هیچکس در گیلان جرئت ندارد که برای همراهی به مشروطیت اقدامات جدی نماید و جز اینکه اغتشاش در طهران روی بدهد ایالت گیلان خاموش خواهد ماند.

یزد

تمام راههای یزد به دست سارقین است و تجارت تقریباً از میان رفته است. تجار تلگرافی به شاه مخاברה نموده و استدعای کمک نموده‌اند ولی بدون هیچ نتیجه. هیچ نوع اقدامی برای استقرار نظم بعمل نمی‌آید و اگر شکایتی از سرقت به حاکم بشود جواب معمولی او این خواهد بود که نقطه‌ای که سرقت روی داده از قلمرومن خارج است. ترتیب پست بکلی بهم خورده است. در این اواخر پنج پست در یک نقطه برای مستحفظ معطل مانده بودند.

کرمان

ایالت به حال بی‌نظمی سابق عودت کرده رفت و آمد در راههای عمده بکلی موقوف و ترتیب پست هم وجود خارجی ندارد. فرمانفرمای جدید صاحب اختیار در اواخر ماه اوت به اردستان وارد گردید.

شیراز

بی‌نظمی در فارس در ماه اوت و سپتامبر روزافزون بود. پستها و عده زیادی از قوافل بسرقت برده شد. اوضاع کازرون به حال بی‌نظمی دائمی باقی است. ایل عرب، سیوند را تاخت‌وتاز نمودند. نایب‌الحکومه استعدادی برای سرکوبی حرکت داد ولی منتج نتیجه نگردید. فرمانفرمای جدید آصف‌الدوله در ۲۱ ماه سپتامبر [۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان] وارد شد. قبل از ورود او نایب‌الحکومه بطوری بی‌احترامانه با قنصل انگلیس رفتار نموده بود که اقدامات سخت لازم بود در طهران بعمل آید. پس از ورود فرمانفرما نایب‌الحکومه

(سردار فیروز) شخصاً به قنصلخانه آمده و کاملاً از رفتار خود معذرت خواست.
 (امضا) مازور استوکس اتاشه میلپتر به تاریخ ۷ اکتبر ۱۹۰۸
 [۱۴ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۱ رمضان ۱۳۲۶]

نمره - ۲۸۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواری، ۸ اکتبر ۱۹۰۸
 [۱۵ مهر ۱۲۸۷؛ ۱۲ رمضان ۱۳۲۶]

از طهران
 آقا

در تعقیب مراسله ۳۰ ماه گذشته مستر مارلینگ و تلگراف دوم این ماه خود افتخار دارم که ترجمه دستخط شاه را بطوری که منتشر گردیده انقاد دارم.
 من باید شما را متذکر سازم که اصل این دستخط بسیار مغلق [است] و مستر اسمارت برای ترجمه مجبور شده است که به حدسیات معنی بعضی عبارات آن را بفهمد.
 دستخط مذکور مجلس آتیه را توضیح می نماید که مجلس با شرایط معلوم و محدود خواهد بود و عقیده ایرانیهای مطلع بر این است که شاه بهیچوجه قصد ندارد که مجلس مستقلی انتخاب شود. ولی دستخط وضوحاً قول می دهد که قانون انتخابات در غره ماه شوال (۲۷ اکتبر) [۴ آبان] برای اعلان حاضر خواهد شد و انتخابات مجلس در ۱۴ ماه نوامبر [۲۲ آبان؛ ۱۹ شوال] شروع خواهد شد. نظر به جهات فوق الذکر من پیشنهاد می نمایم که عجالاً اقدام دیگری از طرف سفارتین بعمل نیاید.
 (امضا) جرج بارکلی

ملفوف در نمره ۲۸۱

دستخط همایونی

جناب صدراعظم

پس از آنی که دولت محض استقرار نظم در مملکت و جلوگیری از مفسدین و انجمنها و اشخاص لامذهب که باعث اذیت مردم بودند مجلس را منحل نمود ما قول دادیم که پس از اعاده نظم و قلع و قمع رولوسیونرها و انجمنها و استقرار امنیت و خاموشی اهالی مجلسی منعقد نماییم که قوانین او موافق مقتضیات مملکتی و قوانین مقدس پیغمبری بوده حامی و مروج عدالت گردد تا اینکه ما بتوانیم تمام اهالی و تمام طبقات رعایای خود را که نگاهداری آنها از طرف خدای تعالی به ما واگذار شده در صلح و آسایش نگاه داشته و مفسدین را قلع و قمع نموده و آیین مقدس اسلام را که اولین وظیفه ما است حفظ و حراست نماییم. حتی به تمام نمایندگان دول متحابه هم اینطور ما اعلان نمودیم.
 اکنون که موقع انعقاد مجلس نزدیک شده ما به جناب شما اخطار می نماییم که مجلس با شروط معین و محدود موافق مقتضیات مملکتی که قوانین او بروفق شرع انور بوده

واز بروز اغتشاشات جلوگیری نماید در ۱۹ شهر شوال منعقد خواهیم نمود. لهدذا به تمام اهالی مملکت و تمام طبقات رعایای ما اعلان نمایند که چون خدا شخص مقدس ما را حافظ مملکت و مردم و دارنده تاج و تخت و حامی مذهب مقدس فرموده و چون ما مقصودی جز صلح و آسایش مردم و اجرای قوانین عدالت نداریم و چون وظیفه ما این است که طریقه و عادات پیغمبر را سرمشق خود کنیم به این جهت ما به صدور این دستخط اهالی مملکت را مسرور و امیدوار می نماییم و ما نیز حکم می نماییم که مجلس مرکب از اشخاص متدین و عاقل به توفیق خدا و توجه امام دوازدهم در ۱۹ ماه شوال منعقد خواهیم نمود.

بوسیله این مجلس که موافق شرع و عدالت خواهد بود و مردم در آسایش خواهند بود و قوانین اسلام محفوظ و بموقع اجرا گذارده خواهد شد و تمام آثار اغتشاش ، ناامنی و انجمنها محو خواهند شد.

نیت مقدس ما بموقع اجرا گذارده خواهد شد. راهها باز و مردم در ظل عنایت و مرحمت ما آسوده خواهند گردید. اقدامات برای آسایش آنها بعمل خواهد آمد و لوازم ترقی و ثروت مملکت زیاد خواهد گردید و به خواست خدای متعال ابواب سعادت برای مردم باز خواهد گردید.

والحال ما حکم می کنیم که شما قانون انتخابی و قانون مملکتی موافق شرع ترتیب داده برای غره ماه شوال حاضر نمایند تا اینکه هر دو مجلس منعقد گردد. تمام مردم تکلیف خود را شناخته از حدود خود تجاوز ننمایند تا اینکه تمام مردم براحته زندگی نمایند.

لیکن یاغیان تبریز طوری از افساد و خونریزی مقصردند که دولت نمی تواند از تقصیر آن ارادل بگذرد. به همه اعلان می شود که تا مدتی که نظم در تبریز برقرار نگردیده یاغیان قلع و قمع نشوند و اهالی بدبخت آن شهر از شر این اشخاص خلاص نگردند تبریز از حکم این دستخط خارج خواهد بود .

۲۷ شعبان ۱۳۲۶

[یکم مهر ۱۲۸۷؛ ۲۴ سپتامبر ۱۹۰۸]

محمد علی شاه قاجار

نمره - ۲۸۲

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری ، مورخه ۲۰ اکتبر [۲۷ مهر ؛ ۲۴ رمضان] از سن پترز بورغ.

مسیو چریکف امروز عصر به من اطلاع داد که خبر خوشی برای شما دارم. آن خبر مشعر بر این بود که راهپورتهای واصله از تبریز امیدبخش تر از سابق بوده و احتمال برده می شود که يك اندازه امنیت برقرار گردیده است. در این حال دولت روسیه مصمم شده است که دسته قشون روس بطرف تبریز حرکت نکرده و در جلفا توقف نماید.

این تصمیم دولت روسیه را به توسط تلگراف به اطلاع مسیو هارتویک رسانیده و به او گفته‌اند که دسته قشون مذکور در جلغا توقف خواهند نمود مگر اینکه از طرف ژنرال قنسول روس مقیم تبریز به آن سو احضار گردند.

بعلاوه دستورالعمل به ژنرال قنسول روس مقیم تبریز فرستاده شده است که دسته قشون را احضار نکند مگر اینکه بر او معلوم گردد که جان اتباع روسی یا اروپاییهای مقیم تبریز در معرض خطر فوری باشد و در صورتی که حضور دسته قشون لازم گردد او (ژنرال قنسول) باید اقدامات نموده و وظیفه قشون را فقط به حمایت اتباع روس و سایر اروپاییان مقیم تبریز محدود نماید و نباید که بهیچوجه به امورات داخلی یا نفاق بین مردم دخالت نمایند.

مسیو چریکوف مخصوصاً ذکری از اروپاییان مقیم تبریز برده به جهت اینکه از صحبت شما با کنت بنکندرف بر او چنین مفهوم گردیده بود که دولت اعلیحضرتی مایل است که در موقع لزوم حمایت از کلیه اروپاییان کرده شود.

من اظهار نمودم که یقیناً قنسول بدون اینکه سابقاً مراتب را به سن پترزبورغ رجوع نماید دسته قشون را احضار نخواهد نمود.

مسیو چریکف در جواب گفتند که این اقدام تقریباً غیر ممکن خواهد بود به جهت اینکه مسئولیت را باید برگردن آن شخصی گذاشت که در محل حاضر است و در صورتی که او قشون را احضار نماید ناچار اقدام فوری در پیش است و در آن صورت تعویق در کار بسیار خطرناک و موقع بسیار مهم خواهد بود. مسیو چریکف گفتند که ژنرال قنسول سی سال در ایران توقف نموده و اطمینان به او می شود کرد که قبل از هر اقدامی امورات را به آرامی و دقت لازمه مذاقه خواهد نمود.

من به مسیو چریکف گفتم که این خبری را که شما به من نقل نمودید بسیار اسباب راحت خیال من و یقیناً باعث امتنان دولت اعلیحضرتی خواهد گردید.

نمره - ۲۸۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری، مورخه ۲۶ اکتبر [۳ آبان؛ ۳۰ رمضان]

از طهران

شاه و مشروطیت

در پنجشنبه گذشته سفارتین اقدامات خود را در خصوص محروم نمودن [مردم تبریز؟] از انتخابات بطوری که دستخط شاه مقرر می داشت تجدید نمودند.

الحال مسیو هارتویک و من پیشنهاد می نمایم که در صورت تصویب دولتین متبوعتین یادداشت متحدالمال ذیل را به توسط وزیر امور خارجه به شاه ارسال داریم. ما مخصوصاً این ترتیب را پیشنهاد می نمایم محض اینکه شیوع پیدا نکند که اقدامات ما همیشه مستقیماً با شخص شاه است.

«از اطلاعاتی که برای سفارت انگلیس و روس واصل گردیده همچو معلوم می گردد که

در این ایام اخیر نسبتاً آرامی در آذربایجان برقرار گردیده است.

«اهالی تبریز بواسطه تنگ آمدن از بی نظمی و آرزوی صمیمانه‌ای که آنها برای استفاده از مراحم ملوکانه شما دارند اخیراً به اعلیحضرت شما تلگرافی عرض نموده و استدعا نموده‌اند که به آنها هم مثل سایر نقاط ایران فیض از مشروطیت عطا گردد و اجازه به آنها داده شود که شرکت در انتخاباتی که برای ۲۷ ماه اکتبر معین گردیده نمایند.

«سفیر اعلیحضرتی (روس) به اطاعت تعلیمات از دولت متبوعه خود افتخار دارد که جلب دقت نظر اعلیحضرت شما را به مطالب ذیل بنماید.

«نظر به اوضاع حاضره برای اینکه بالاخره این ایالت آرام گردد خیلی مقبول خواهد بود که آن ایالت را از انتخاباتی که در ۲۷ ماه اکتبر قول داده شده است خارج ننموده و این موقع را مغتنم شمرده بتمام اشخاصی که در این چند ماه اخیر در تحت سلاح رفته بودند عفو [اعطاء] نمایند.»

نمره - ۲۸۴

تلگراف سرادوارگری به سر جرج بارکلی، مورخه ۲۷ اکتبر [۴ آبان؛ یکم شوال] از وزارت خارجه، لندن.

راجع به تلگراف دیروز شما - مراسله متحدالمال بشاه - در صورت قبولی دولت روسیه من مضمون مراسله شما را تصویب می‌نمایم.

نمره - ۲۸۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادوارگری، مورخه ۲۹ اکتبر [۶ آبان؛ ۳ شوال] از طهران

اوضاع تبریز

راپورتی از کفیل ژنرال قنصلگری اعلیحضرتی مقیم تبریز برای من واصل گردیده مشعر بر اینکه در ۲۷ این ماه بازارها باز شده و شهر هم کاملاً آرام است. بعلاوه، او راپورت می‌دهد که هرچند که شجاع نظام بواسطه بمبی که بتوسط پست برای او فرستاده شده بود مقتول گردیده است.

راه جلفا هنوز هم مسدود [است] و خسارت زیادی به تجارت وارد می‌آید.

نمره - ۲۸۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادوارگری، مورخه ۲۹ اکتبر [۶ آبان؛ ۳ شوال] از طهران

شاه هنوز قانون انتخاباتی که وعده داده بود در ۲۷ این ماه بطبع برساند بطبع نرسانیده است. همچو می‌فهماند که برای دولت ایران از ولایات تلگراف رسیده که آنها مایل نیستند که در انتخابات مجلس شرکت نمایند.

نمره - ۲۸۷

تلگراف سرادواردگری به سرنیکلسن، مورخه ۳۰ ماه اکتبر [۷ آبان؛ ۴ شوال]
از وزارت خارجه، لندن
رجوع به تلگراف ۲۹ این ماه سربارکلی نمایید
مشروطیت ایران

شما خوب است که برای دقت نظر وزیر امور خارجه پیشنهاد نمایید که عبارت ذیل به
مراسله متحدالمالی که دولتین قصد ارسال به شاه دارند الحاق گردد.
«خیلی اسباب تعجب دولتین گردیده است که شاه به قول خود در خصوص انتشار
قانون انتخابات رفتار ننموده است. دولتین امیدوارند که بیش از این تعویق در این اقدام
حاصل نگردد.»

نمره - ۲۸۸

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری، مورخه ۳۱ اکتبر [۸ آبان؛ ۵ شوال]
از سن پترزبورغ

اخبار واصله برای وزیر امور خارجه روس بهیچوجه بطور دلخواه نیست و شعر
بر آن است که خسارت مهمی به تجارت روس وارد آمده و مسیو ایزولسکی به من
دیروز چنان فهمانید هرچند که او بسیار مایل است که در امورات داخلی دخالتی
ننماید ولیکن خیلی مشکل است که [بتوان] اجازه داد اوضاع برای مدت غیر معینی به این
ترتیب باقی بماند.

من اطلاعی که سرجرج بارکلی در تلگراف ۲۹ این ماه خود داده بود به ایشان نقل
نموده و اظهار داشتیم که بنابر تلگراف مذکور هرچند که راه جلفا خراب است ولی خود
تبریز بکلی خاموش است.

نمره - ۲۸۹

تلگراف سرادواردگری به سرنیکلسن، مورخه ۳۱ ماه اکتبر [۸ آبان؛ ۵ شوال]
از وزارت خارجه، لندن

راجع به تلگراف ۳۱ این ماه شما من امیدوارم که در عوض مداخله روس طریق دیگری
فکر بشود چون که این اقدام اثر بسیار بدی در این مملکت خواهد بخشید.
در صورتی که من کاملاً از اشکال اوضاع مستحضر هستم ولی به عقیده من استقرار نظم فقط
و داشتن شاه است که به قول خود رفتار نماید.

شما خوب است که به وزیر امور خارجه اطلاع بدهید که من حاضرم دستورالعمل برای
مستر رتیسلو [راتیسلا] فرستاده که او نفوذ خود را برای استقرار نظم در تبریز بکار برده

و مردم را از بعضی اقدامات که مخالف به منافع تجارت روسیه است منع نماید. شما خوب است که همچنین از جناب ایشان تقاضا نمایید که مراسله متحدهالمالی که سر جرج بارکلی تلگراف نموده بود به انضمام جمله‌ای را که من در تلگراف ۳۰ این ماه خود به آن ملحق نموده بودم تصویب نمایند.

نمره - ۲۹۰

تلگراف سر نیکلسن به سرادوردگری مورخه غره نوامبر ۱۹۰۸

[۹ آبان ۱۲۸۷؛ ۶ شوال ۱۳۲۶]

از پترزبورگ

راجع به تلگراف ۲۶ اکتبر از طهران

یادداشت متحدهالمال

دولت روسیه پیشنهاد می‌نماید که پس از جمله «اجازه به آنها داده شود که شرکت در انتخابات» عبارت «که برای ۲۷ اکتبر معین گردیده» در مراسله متحدهالمال نوشته شود.

بعلاوه دولت روسیه پیشنهاد می‌نماید که پس از جمله «برای اینکه بالاخره این ایالت آرام گردد» یادداشت به عبارت ذیل تمام شود «و اجازه اعطای عفوی را که اهالی آنجا استدعا می‌نمایند داده شود و در آنموقع به تمام رعایای آن اعلیحضرت که آلوده در اقدامات اخیر رولوسیونرها بودند عفو عمومی عطا گردد».

وزیر امور خارجه کاملاً با عبارتی که شما در تلگراف ۳۰ اکتبر خود به یادداشت اضافه نموده بودید موافقت دارند و پیشنهاد می‌نمایند که مفاد آن به این طریق انشاء گردد «و در همین موقع از طرف دولت روس (انگلیس) به سفیر خود اجازه داده شده است که اظهار تعجب از تعویقی که در انتشار قانون اساسی روی داده نموده و امیدوارند که اعلیحضرت شاه بدون فوت وقت به قولهای خود عمل خواهند نمود».

نمره - ۲۹۱

تلگراف سرادوردگری به سربارکلی مورخه غره نوامبر [۹ آبان؛ ۶ شوال]

از وزارت خارجه، لندن

خواهش می‌کنم که به تلگراف ۳۱ ماه گذشته من به سن پترزبورگ رجوع نموده و در هر موقعی که شما با ژنرال قنسول اعلیحضرتی مقیم تبریز (مستر رتیسلو [راتیسلا]) در خصوص اقداماتی که به نظر شما می‌رسد مشورت نمودید مرا از آن مطلع سازید.

تلگراف سرادواری به سرادواری مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال] از سن پترزبورگ
 راجع به تلگراف ۳۱ ماه گذشته شما

امشب ذکر می‌گویند که قوه به تبریز نخواهد فرستاد مگر اینکه حکماً لازم گردد
 و قول به من دادند که اگر همچو موقعی روی دهد مرا پیش از اجرای آن اقدام مطلع
 خواهند ساخت. جناب ایشان گفتند که نظر به خسارت مهمی که به تجارت روس وارد می‌آید فشار زیاد
 به ایشان آورده می‌شود که یک نوع اقدامی بنمایند ولی قصد ایشان این است که همچو
 کاری نکنند.

عقیده ایشان بر این است که واقعاً روسیه صبر و خودداری زیادی در این باب نموده
 است.

تلگراف سرادواری به سر نیکلسن ، مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال] از وزارت خارجه ، لندن

خواهش می‌کنم که به تلگراف ۲ این ماه خود رجوع نمایید. دولت روسیه بسیار خودداری و صبر نموده دولت اعلیحضرتی رضایت تام از اعتدال
 آن دولت دارد. دولت اعلیحضرتی با صمیمیت زیاد امیدوار است که دولت روسیه مجبور به اقدامات نگردد و با
 امتنان فوق‌العاده اطلاع حاصل نمودیم که وزیر امور خارجه روس قول داده است که اگر
 اقدامی حتماً لازم گردد شما را مطلع سازد.

نمره - ۲۹۴

تلگراف سرادواری به سر بارکلی مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال] از وزارت خارجه، لندن

در موقعی که برای همکار روس شما هم همینطور دستورالعمل رسید شما می‌توانید که
 یادداشت متحدالمال بطوری که مضمون آن در تلگراف ۲۶ ماه گذشته شما مندرج بود بعلاوه
 تغییراتی که بموجب تلگراف غره این ماه از سن پترزبورگ به آن داده شده بود تقدیم
 شاه نمایید.

نمره - ۲۹۵

تلگراف سرادواردگری به سر جرج بارکلی مورخه ۲ نوامبر [۱۰ آبان؛ ۷ شوال]
از وزارت خارجه، لندن
راجع به اوضاع تبریز
من به شما اجازه می‌دهم که به ژنرال قنصل انگلیس مقیم آن شهر بطوری که جمله آخر
تلگراف ۳۱ ماه گذشته من به سرنیکلسن می‌رساند دستورالعمل بفرستید.

نمره - ۲۹۶

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری، مورخه ۴ نوامبر [۱۲ آبان؛ ۹ شوال]
از سن پترزبورغ
راجع به یادداشت متحدالمآل

به همان ترتیبی که شما بموجب تلگراف ۲ ماه نوامبر برای سر بارکلی در خصوص
ارسال یادداشت متحدالمآل دستورالعمل فرستاده‌اید دولت روسیه هم برای سفیر خود در
طهران تعلیمات فرستاده است.

نمره - ۲۹۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری، مورخه ۸ نوامبر [۱۶ آبان؛ ۱۳ شوال]
از طهران

نمایش علیه مشروطیت که اتباع شاه ترتیب آنرا داده بودند دیروز در باغشاه روی
داد. هیئتی مرکب از چند صد نفر اشخاص نماینده تمام طبقات اهالی به اردوی شاه
رفته صدراعظم و سایر وزرای دیگر از آنها پذیرایی نمودند.

پس از این که تلگرافاتی که از ولایات و یکی هم از تبریز راجع به عدم میل آنها به
مشروطیت و استدعای رد آن قرائت گردید درباریان عریضه‌ای در این خصوص به هیئت مذکور
برای امضا داده تمام حضار به انضمام وزراء عریضه مذکور را امضا نموده و به خدمت
شاه بردند.

اعلیحضرت شاه پس از قدری اعتراض و اظهاراتی که من می‌خواهم الحال قانون انتخابات
را بطبع برسانم قول دادند که به صدراعظم حکم خواهد نمود که بطور دلخواه امضاکنندگان
عریضه رفتار نماید.

احتمال کلی می‌رود که اغلب آن اشخاص از ترس عریضه را امضا نمودند همانطور که
یکی از وزراء بمن اظهار نمود که او هم از ترس امضا کرده است.

نمره - ۲۹۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری مورخه ۸ نوامبر [۱۶ آبان؛ ۱۳ شوال]
از طهران
راجع به تلگراف ۲ این ماه شما
شاه و مشروطیت
امروز عصر مسیو هارتویک و من یادداشتی که به عنوان شاه بود به وزیر امور
خارجه ارائه دادیم.

نمره - ۲۹۹

تلگراف سر نیکلسن به سرادواردگری مورخه ۹ نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال]
از سن پترزبورغ
امروز صبح مسیو ایزولسکی را ملاقات نموده و به من اطلاع دادند که هیچ خبری
راجع به حوادث اخیر در طهران برای ایشان ترسیده است ولی ایشان به سفیر روس مقیم
طهران تلگرافاً [تلگرافی] تقاضای فرستادن راپورت نموده‌اند.
چونکه سفارتین دیروز یادداشت متحدالمآل را فرستاده و از قرار معلوم هم شاه فی الواقع
مشروطیت را برهم نزده بلکه فقط به صدراعظم خود دستورالعمل داده است که برای رضایت
امضا کنندگان عریضه عجالاً اقدامی برای انتخابات بعمل آورده نشود لهذا ممکن است
امیدوار شد که باز هم شاه قطعاً اقدامی برای برهم زدن مشروطیت ننماید.
من به مسیو ایزولسکی اظهار نمودم که اگر واقعاً شاه برخلاف قول خود رفتار نماید
به نظر من دولتین باید اقدام مهمی برای جبران رفتار او بنمایند.
ایشان سؤال نمودند که به چه شکل ممکن است که این اقدام را نمود. من اظهارداشتم
که شاید ممکن بشود دولت روسیه صاحب منصبان خود را برای اندک زمانی از خدمت
شاه احضار نماید تا اینکه به این وسیله دولت روسیه به شاه حالی نماید که او نباید
منتظر کمک از روسیه باشد.
مسیو ایزولسکی خاطر نشان نمودند که به همچو اقدامی ایرادهای مهم می شود گرفت.
بریگاد قزاق بدون صاحب منصب اروپایی ابدأ نخواهد توانست امنیتی برقرار نماید و به جهت
اینکه باز هم امید است که شاه دقت نظری از قولی که به امضا کنندگان عریضه داده است
بنماید.
مسیو ایزولسکی با من کاملاً موافق بودند که این عریضه مصنوعی به حکم درباریها
نوشته و امضا گردیده است و این اشخاص ابدأ رأیی در اینخصوص نداشته‌اند.

نمره - ۳۰۰

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی، مورخه ۹ نوامبر [۱۷ آبان؛ ۱۴ شوال]
از وزارت خارجه، لندن
راجع به تلگراف ۸ این ماه شما
مشروطیت ایران
تحصن بالا جماع وضوحاً برای مقاصد پلتیکی خواهد بود. باین جهت شما خوب است سعی
وافی نموده نگذارید که سفارت انگلیس برای محل تحصن استعمال گردد.

نمره - ۳۰۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری، مورخه ۱۰ نوامبر [۱۸ آبان؛ ۱۴ شوال]
از طهران
راجع به تلگراف دیروز شما
بست در سفارت اعلیحضرتی
آثاری مشاهده نمی شود که مردم قصد تحصن در سفارت را داشته باشند.

نمره - ۳۰۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری، مورخه ۲۰ نوامبر [۲۸ آبان؛ ۲۵ شوال]
از طهران
راجع به تلگراف ۸ این ماه من
شاه و مشروطیت
مسیو هارتویک و من از شاه تقاضای شرفیابی خصوصی نموده ایم برای اینکه توضیحاتی
در مراسله متحده المآل ۸ این ماه خود داده و به آن اعلیحضرت نصیحت نماییم که به قولهای
خود رفتار نموده و قطع نظر از نمایش ۷ این ماه مشروطیت را برقرار نماید.
در ۱۲ این ماه جداگانه من و مسیو هارتویک خدمت شاه مشرف خواهیم شد.
(جرج بارکلی)

نمره - ۳۰۳

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی، مورخه ۱۱ نوامبر [۱۹ آبان؛ ۱۶ شوال]
از وزارت خارجه، لندن
راجع به تلگراف ۱۰ این ماه شما
شاه و مشروطیت
دولت اعلیحضرتی اقدام شما را تصویب می نماید.

نظر به منافع خود شاه و آرامی مملکت خودش صلاح این است که آن اعلیحضرت به قولهایی که به مردم ایران داده است عمل نماید. به این طریق امنیت و صلح در ایالت آذربایجان و تبریز برقرار خواهد گردید. شما خوب است که این نکات را به آن اعلیحضرت حالی نمایید.

نمره - ۳۰۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواردگری، مورخه ۱۳ نوامبر [۲۱ آبان؛ ۱۸ شوال] از طهران
شاه و مشروطیت

شاه دیروز مسیو هارت ویک و امروز من را بطور خصوصی به حضور خودشان پذیرفت. مفاد اظهارات ما موافق تلگراف ۱۱ این ماه شما به یک طریق بود. ما به شاه اصرار نمودیم که برای خاطر نمایی که در شنبه گذشته علیه مشروطیت ترتیب داده شده بود شاه نباید برخلاف ضمانتهایی که به مردم ایران و دولتین متحابین داده است رفتار نماید.

در جواب شاه گفتند که قسمت زیادی از مردم مشروطیت را برخلاف مذهب خود می پندارند و به این جهت با آن مخالف هستند. شاه مصنوعی بودن نمایش روز شنبه را تکذیب نموده ولی به من اطمینان دادند که در آن موقع رأی قطعی در هیچ اقدامی ندادند. آن اعلیحضرت اظهار نمودند که شخصاً من مایل به مجلس هستم ولی در صورتی که مثل مجلس سابق نباشد.

من خاطر نشان نمودم که عقیده عموم بر این است که اعلیحضرت شما خیال ندارید که به قولهایی که داده اید رفتار نمایید و در صورتی که واقعاً شما مایل به مشروطیت هستید عقیده مردم خیلی در خطا است.

در خصوص حسیات اغلب مردم من با اعلیحضرت هم عقیده نبوده و جداً تأکید نمودم که نظر به منافع خود آن اعلیحضرت و اعاده نظم در آذربایجان و رفع اشتباه اذهان مردم بهتر آن است که فوراً به قولهایی که داده اید رفتار نمایید.

نمره - ۳۰۵

تلگراف سرنیکلسن به سرادواردگری، مورخه ۱۴ نوامبر [۲۲ آبان؛ ۱۹ شوال] از سن پترزبورگ

دیشب من با مسیو ایزوالسکی [=ایزولسکی] در خصوص اوضاع ایران صحبت داشتیم. جناب ایشان گفتند که در دو نکته ایشان مصمم شده اند و آن دو نکته این است که روسیه نه مداخله نماید و نه به شاه کمک کند.

اقداماتی که ترک آن را مصمم شده اند معلوم است ولی نگرانی ایشان از این است که چه

اقدامی برای علاج اوضاع کرده بشود تا اینکه اوضاع منجر به انارشی بشود که دخالت دولتین حتمی گردد. به نظر ایشان اینطور رسیده است که طرح اصلاحاتی با موافقت دولت اعلیحضرتی ترتیب داده شود [و] شاه را مجبور به اجرای آن نمایند.

جناب ایشان گفتند که در خصوص احضار صاحب‌منصبان قزاق روسی که من پیشنهاد کرده بودم غور نموده و به نظر ایشان این اقدام در این موقع خطرناک می‌آید.

مسیو هارت ویک از طهران حرکت نموده و خیال مسیو ایزوالسکی این است که یک کمیسیون اداری برای رسیدگی به اوضاع ایران و ترتیب بعضی پیشنهادات راجع به اصلاح امور این مملکت تشکیل دهد.

من به مسیو ایزوالسکی قول دادم که مجملی از مفاد صحبت خودمان را برای شما تلگراف نموده و گفتم که شما شاید بعد از تبادل افکار با اشخاصی که در ایران نیستند بتوانید بعضی پیشنهادات برای بهبودی اوضاع حالیه بنمایید.

نمره - ۳۰۶

تلگراف سرچارچ [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۱۴ نوامبر)

طهران ، ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۲ آبان ۱۲۸۷ ؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۶]

مسیو دوهارت ویک به من اظهار داشت که فردا برای انجام امورات رسمی از طهران برای سنت پترزبورغ رهسپار خواهد شد.

مسیو سابلین منشی [دبیر] اول، روز پنجشنبه وارد شد و پس از حرکت مسیو دوهارت ویک مشاغل او را به عهده خواهد گرفت.

نمره - ۳۰۷

تلگراف سرچارچ [جرج] بارکلی بسرادواردگری (واصله ۱۵ نوامبر)

طهران ، ۱۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۳ آبان ۱۲۷۸ ؛ ۲۰ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

در موقع شرفیابی حضور شاه در روز پنجشنبه دقت نموده این مسئله را به آن اعلیحضرت توضیح نمودم که میل من این نیست تشکیل مجلسی بطرز مخصوص برای ایران تجویز نمایم.

شاه در صورتی که خیلی مشتاق باشد برای او سهل خواهد بود که در میان رعایای خود اشخاصی بدست آورد که لایق و کارآمد بوده و قانون انتخابات را تنظیم نمایند بطوری که مجلسی از نمایندگان معتدل تشکیل گردد. چنین مجلسی در صورتی که از زیادرویهای مجلس سابق احتراز نماید در مقابل سوءاعمالهای [= سوءاعمال] حالیه موقع خوبی برای موفقیت داشته در جلو این هیئتی که حالا بر سر کار هستند سدی خواهد بود.

نمره - ۳۰۸

مکتوب قنصل استوتز [استیونس] به سرادواردگری (واصله ۱۶ نوامبر)

باطوم، ۶ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۴ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۱ شوال ۱۳۲۶]

آقا

چون اخیراً راپورت‌های مکرره در روزنامه‌جات مختلفه انگلیسی و سایر ممالک اروپا درباب اعزام قشون از طرف دولت روس به شمال ایران دیده‌ام من مخصوصاً زحمت کشیده تحقیق صحت‌این خبر را نموده‌ام و امروز برحسب اطلاع تلگرافی که از جلفای روس برای من رسیده می‌توانم به شما اطلاع دهم که برقرآقهایی که دائماً ساخلسوی آنجا هستند تازگی علاوه نشده و هیچ قشون روس از سرحد برای آذربایجان عبور ننموده و در راه هم نیستند که بطرف تبریز بیایند.

(امضا) استوتز

نمره - ۳۰۹

تلگراف سر جارج [جرج] بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۱۶ نوامبر)

طهران، ۱۶ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۴ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

از زمانی که در باغ‌شاه در روز ۷ شهر جاری بنای نمایشات علیه مشروطیت گذارده شد در میان مشروطیین تا اندازه‌ای جوش و خروشی پیدا شده و ملتیان چندین اجلاس‌ات داشته‌اند.

دیروز عریضه‌ای که رئیس سابق مجلس صنیع‌الدوله و سایر نمایندگان معتبر و بعضی از علما و تجار امضا نموده بودند به تمام سفارتخانه‌ها فرستاده شد. صاحبان امضای این نوشته عابه این نمایشات مصنوعی برضد مشروطیت در باغشاه پروتست نموده و بیان نموده‌اند که ملت منتظر معاونت سفارتخانه‌ها برای تحصیل مشروطیت بوده و با کمال اشتیاق انتظار آن را دارند.

نمره - ۳۱۰

تلگراف سر جارج [جرج] بارکلی به سرادواردگری (واصله ۱۹ نوامبر)

طهران، ۱۹ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۷ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۴ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

وزیر امور خارجه مرا اطلاع داده است که شاه در نظر دارد خود يك مجلس شورائی تأسیس نماید. من از این که شاه به این طریق درصداست از مواعید خود دوری جوید اظهار یأس نموده و خاطر نشان نموده‌ام که انتخاب اعضاء و تشکیل مجلس توسط ملت یکی از خصوصیات هر نوع حکومت مشروطه است. دوسه نفر از وزرائی که بواسطه نفوذ و اقتدار می‌شوم خود باعث این اوضاع اندوهگین مملکت شده‌اند بر مجلسی که تشکیل آن پیشنهاد شده کنترل تام خواهند داشت.

گمان می‌کنم هر گاه در ظرف این دوسه‌روزه اعلان اقدام موافق دلخواه نشود سفارتین باید اقدامات دیگری در باغشاه بنمایند و عقیده من این است که سفارتین متفقاً عمل نمایند. ممکن است از شاه استدعا نمایم ترجمانهای ما را که با آنها بهتر بطور آزادانه و آشکارا صحبت می‌کند تا آنکه به نمایندگان، بپذیرد و مطالب را بطور صحبت صاف و ساده می‌توان به آن اعلیحضرت بیان نمود.

وظیفه ترجمانها این خواهد بود که کوشش نموده به آن اعلیحضرت بفهمانند که دولتین هر دو به يك اندازه مایل مشاهده اعاده نظم ایران و تأمین سعادت آن بوده اصرار آنها در تأسیس حکومت مشروطه بهترین همراهی و معاونت آن اعلیحضرت خواهد بود در نیل به این مقاصد و ترجمانهای مذکور در ضمن صحبت خود رشته مذاکرات سابقه با آن اعلیحضرت را تعقیب نموده و به آن اعلیحضرت اصرار خواهند نمود که با چند نفر مردمان کارآمدی که بتوانند نصایح حسنه بدهند درباب شکل و طرز مجلسی که با احتیاجات مملکتی مناسب است تام داشته باشد مشورت نماید.

مسیو سابلین هم که من او را از طریق صحبتی که پیشنهاد شده است مستحضر داشته‌ام بامن موافقت دارد و بر وفق آن به دولت متبوعه خود تلگراف می‌کند.

نمره - ۳۱۱

تلگراف سر ادوارد گری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه ، ۲۰ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۸ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

امیدوارم به نمایندنده دولت روس تعلیم داده شود که بر وفق مفاد ارائه طریق سر جارج [جرج] بارکلی که در تلگراف دیروز خود نموده بود و من کاملاً با آن موافقت دارم عمل نماید.

نمره - ۳۱۲

تلگراف سر آرتر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۲ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸

[۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

راجع به تلگراف ۲۰ شهر جاری، به نماینده دولت روس مقیم طهران تعلیمات داده شده بود که برطبق ارائه طریق سرجارج [جرج] بارکلی عمل نماید. [تلگراف سرجارج به شماره ۳۱۳ - نمره ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸]

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۲۲ نوامبر) طهران، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ [۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

صدراعظم مرا دیروز اطلاع داد که شاه بنا بر نمایشی که روز پنجشنبه در باغشاه بر ضد مشروطیت داده شد دستخطی برای طبع فرستاده در آن مذکور است که مجلسی که مخالف اسلام است اعطا نخواهد نمود. اگر چه عبارت این نوشته بطور مبهم نوشته شده عموم اینطور می فهمند که مقصود آن اعلیحضرت این است که از اعطای هرگونه مجلس منتخبین امتناع می ورزد.

ظاهراً کمال لزوم را دارد که بایستی فوراً اظهارات متحدالمآل به شاه بشود و مسیو سابلین و من یادداشت متحدالمآلی امروز برای وزیر امور خارجه می فرستیم و در آن اظهار تعجب و افسوس می کنیم از اینکه آن اعلیحضرت مواعید خود را نقض نموده و چنین تصمیم تأسف انگیزی نموده است که نصایح مشاورین بدکردار را تعقیب نموده و به عرایضی که نماینده احساسات حقه ملت نیست گوش می دهد و درحالی که اظهار یقین خواهیم نمود که فقط طریقی که برای آرام نمودن اهالی که در آذربایجان بنای شورش گذارده و در پایتخت و سایر ایالات و ولایات مملکت در حال غلیان و هیجان هستند متصور است استقرار مشروطیت می باشد. اظهار خواهیم داشت که از دولتین متبوعتین خود منتظر تعلیمات هستیم که مطالب دیگر اظهار نماییم.

نمره ۳۱۴ -

تلگراف سرجارج بارکلی به سر ادواردگری (واصله ۲۲ نوامبر) طهران، ۲۲ نوامبر ۱۹۰۸ [۳۰ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف امروز من بایستی راپورت دهم که دستخط شاه اکنون منتشر گردیده. مضمون این دستخط مصالحت آمیز نیست و در آن مذکور است که اعلیحضرت بکلی از خیال تأسیس پارلمان منصرف گردیده اند چرا که علما چنین مجلسی را مخالف اسلام می دانند.

نمره - ۳۱۵

مکتوب سر جارج [جرج] بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ، ۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۹ شوال ۱۳۲۶]

آقا

افتخاراً خلاصه راپورت ماهیانه وقایع چهار هفته گذشته ایران را بطریق معمول لفاً ایفاد می‌دارم.

ملفوف نمره - ۳۱۵

خلاصه ماهیانه وقایع ایران

طهران

شاه هنوز در اردوئی که در ۴ ژون [۱۴ خرداد؛ ۴ ج ۱] در باغشاه تشکیل داده سکونت دارد. امیر بهادر سپهسالار هنوز اول شخص مقتدر محبوب است و حکومت استبدادی جریان کامل دارد.

کلنل لیاخوف هنوز حاکم نظامی طهران و قوای پلیس در تحت امر اوست و حقوقشان را او مرتباً می‌رساند. شاهزاده مؤیدالدوله که نشان «کسی ام‌جی» را دارا و به حکومت طهران منصوب است اظهار نفرت علیه دخالت کلنل لیاخوف در اموراتی [اموری] که او از حدود رسمی آن صاحب‌منصب خارج می‌داند نموده است.

چنانچه در خلاصه وقایع آخری راپورت دادم عموم چنان حس نموده بودند که دستخط شاه که وعده انتشار قانون انتخابات را برای ۲۷ اکتبر و افتتاح مجلس ملی ثانوی را داده بود (در دستخط مجلسی نوشته شده) از روی صمیمیت نبوده همینکه موعد انتشار قانون انتخابات موعود نزدیک گردید در مقام تحقیقات برآمدیم ببینیم آیا برای تنظیم چنین نوشته اقداماتی بعمل آمده یا نه و اگر چه وزیر امور خارجه به سفیر اعلیحضرتی اظهار داشت که نوشته مزبور آماده شده بخوبی واضح بود که او شخصاً چنین نوشته را به چشم ندیده و فقط امر داشته است اینطور اظهار بنماید و نه او و نه کسی دیگر نمی‌توانست اطلاع صحیحی در این باب بدهد. در این اثنا همینکه وقت انجام وعده شاه نزدیک گردید راپورتهای مختلفه که معلوم بود منشأ آن دربار است شیوع یافت که از ایالات و ولایات تلگراف بر ضد تشکیل مجلس به مرکز مخابره شده. در ۲۸ اکتبر [۵ آبان؛ ۲ شوال] رئیس مطبعه شاه خبر داد که قانون انتخابات در تحت طبع [است] و روز دیگر منتشر خواهد شد ولی سپس شهرت داد که انتشار آن تا مدت غیر محدودی به عهده تعویق افتاده است. از وزیر امور خارجه در این باب استفسار شد جواب دادند که خود و همکارانشان تمام روز ۲۶ اکتبر [۳ آبان؛ ۳۰ رمضان] را صرف تنظیم قانون انتخابات نموده و آن را تمام کردند ولی دوباره بعضی تغییرات در آن می‌دهند.

علمای نجف تلگراف بسیار شدیدی به شاه مخابره نموده در آن مذکور است اعمال شاه

قلوب مؤمنین را مجروح و امام غائب را مکدر نموده است. برای تحصیل حکومت نمایندگی از هیچ نوع اقداماتی فروگذار نخواهیم نمود. در انتهای تلگراف مزبور این عبارت مذکور است: ظالمین ملعون خدا هستند حالا شما غلبه دارید ولی همیشه اینطور نخواهید ماند. ترجمه این تلگراف را نماینده اعلیحضرتی مقیم بغداد برای من فرستاده و از قرار معلوم در طهران آن را انتشار زیاد داده اند.

مسیوسابلین، مستشار جدید روس، باید در ظرف یک هفته به اینجا وارد شود.

(امضا) چرچیل، ۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۹ شوال ۱۳۲۶]

مشهد

اخیراً بسیاری از مشروطه خواهان از جنرال قنصول اعلیحضرتی استدعای رخصت پناه گرفتن در جنرال قنصولگری نموده اند ولی استدعای تمام آنها رد شده است.

اصفهان

تمام راههای از اصفهان به سایر نقاط باستانی راه طهران به دست راهزنان است و پسته و قوافل را غالباً می زنند.

یزد

از قرار راپورت کفیل ویس قنصول اعلیحضرتی ظاهراً در کلیه طرقی که به یزد می رود سرقت هر روزه واقع می شود. حکومت ابراز عدم توانایی به اصلاح موقع نموده تجارت به حالت سکون و پسته بکلی بی ترتیب شده و فقط پستهایی که اخیراً به یزد رسیده اند آنهایی بوده اند که خود را تا مدتی در دهی پنهان کرده و از عبور اتفاقی حاکم جدید کرمان استفاده نموده و همراه او تا یزد رفته اند.

کرمان

در اوایل سپتامبر ناظم التجار در قونسولگری انگلیس پناهنده گردید و پس از چند روزی خارج شد.

صاحب اختیار حاکم جدید در ۲۱ سپتامبر [۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان] وارد شد. معاضدالدوله را به سمت نیابت حکومت تعیین و سعدالسلطنه را وزیر خود نموده است.

دستجات راهزنان فارس چندین ده را در ناحیه کرمان زده و بسیاری از طرق از طرف سارقین اشغال شده اند.

شیراز

آصفالدوله، فرمانفرمای جدید، در ۲۱ سپتامبر [۲۹ شهریور؛ ۲۴ شعبان] وارد گردید.

(۱) در اصل: تبریز. سم.

قنصل مقيم اعليحضرتى باتفاق قنصل روز ۲۴ به دیدن او رفته با آنها بطور مودت سلوك نموده و بطور مدارا خود را حاضر برای مذاکره در امورات معوقه نشان داد.

روز ۱۳ اکتبر [۲۰ مهر؛ ۱۷ رمضان] او از قنصل مقيم و قنصل ملاقات نموده و با آنها بسیار دوستانه صحبت نموده ولی بعلت کسالت مزاج اغلب مشاغل را به عهده سردار فیروز و عطاءالدوله واگذار نموده است. از قرار راپورتهای اخیر معلوم می‌گردد که فرمانفرما بکلی از عهده اعاده انتظامات فارس برنیامده و عقیده قنصل اعليحضرتى براین است که فقط علاجی که به تصور می‌آید تعیین شخص مقتدرتری است. در ۱۲۶ اکتبر مسترییل تلگراف نمود که از قراری که بر او مفهوم شده نقشه برای اخراج فرمانفرما و تقاضای مشروطیت ریخته شده است. از قراری که راپورت داده شده عساکر از حرکت بطرف قبایل اعراب بعلت عدم خوراک و فشنگ امتناع ورزیده‌اند.

همینکه فرمانفرما اطمینان به معافیت پناهندگان داد بعضی از آنها از قنصلخانه خارج گردیدند ولی چهار نفر آنها تا ۷ اکتبر در آنجا توقف نمودند.

راپورت سرقتهای بسیار در راه بوشهر و اصفهان رسیده. مابین اصفهان و شیراز چندین مرتبه پست را زده‌اند.

در ۸ اکتبر، فوج چهار محل [چهار محال؟] مجتمعاً در اداره تلگرافخانه ایرانی پناهنده شده مطالبه حقوق عقب افتاده خود را نمودند. چون اوامر برای پرداخت کلیه حقوق عقب افتاده آنها از طهران رسید و يك قسمت کمی از آن پرداخته شد آنها روز ۱۰ خارج شدند.

(امضا) مازور استوکس آتاشه میلپتر

نمره - ۳۱۶

مکتوب سرجارج [جرج] یارکلی به سرادوردگری (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران، ۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۶]

آقا

در تعقیب مراسله ۲ شهر ماضی خود افتخاراً راپورت می‌دهم که در عرض هفته اول ماه اکتوبر در مناسبات مابین فرمانفرمای تبریز و ملتیان آثار و علائم بهبودی هویدا نگردید و اقدامات مختلفه که برای حل اشکالات موقع بعمل آمد بی ثمر بود و این مسئله واضح بود که عین‌الدوله آنقدرها قصد نداشت که بواسطه امتیازات بموقع با ملتیان از در اصلاح داخل شود و بعلاوه بواسطه مسدود نمودن ابواب دخول به شهر هم بر مصیبت اهالی شهر افزوده و هم تمام طبقات مردم را به خشم آورده است.

روزنهم ملتیان در يك موقع براردوی فرمانفرما و سواره ماکوئی که پل آجی را در نزدیکی یکی از دروازه‌های شهر در تصرف داشتند حمله بردند. نتیجه این جنگ که تا ده ساعت دوام داشت این شد که قشون ملی تماماً مظفر گردیده و سواره ماکوئی

منهزم و در اردوی دولتی اختلال زیاد روی داد. در این جنگ تلفونخانه روس در نزدیکی پل آجی قتلگاه بزرگی بود و قریب چهل نفر از سواران ماکوئی آنجا بقتل رسیدند.

روز ۱۲ [۱۹ مهر؛ ۱۶ رمضان] محله دواچی [دوه چی؟] شهر که تا آنوقت به دست دولتیان بود تسلیم شد و مجتهد بزرگ و شجاع نظام، سرکرده سواره مرنندی، باتمام دولتیان روبه فرار گذاردند و خانه های آنها را با انجمن اسلامیة مشهور را که مقامات مهمه مستبدین بود غارت نموده آتش زدند. از این وقت شهر بدون گفتگو به دست ملتیان بود و عساکر دولتی در تحت امر عین الدوله تا پاترده میل از تبریز دور رفته و در آنجا توقف نمودند. سپس عین الدوله معزول و فرمانفرما تعیین شد [که] به جای او منصوب گردد و لسی چون او از قبول این عهده امتناع ورزید عین الدوله دوباره به عهده خود برقرار است.

در ۱۸ آکتوبر [۲۵ مهر؛ ۲۲ رمضان] دولت روس تصمیم نموده بود ۸۰ الی صد نفر قزاق ایرانی و دو دسته پیاده نظام بدانجا اعزام نماید ولی آخر الامر ترك عزیمت نمود. از زمان ظفریابی ملتیان اوضاع تبریز رو بهم رفته کسب بهبودی نموده و روز ۲۸ آکتوبر [۵ آبان؛ ۲ شوال] بازارها مفتوح گردید ولی بواسطه اقدامات شجاع نظام بر تجارت شهر خسارت زیاد وارد آمد و شجاع نظام پس از فرار به مرنند مراجعت نمود و راه جلفا را اشغال نمود تا روز ۲۸ نارنجکی توسط پسته برای او ارسال گردیده خود و یکی از پسرانش را مقتول نمود. از زمان قتل او، یکی از پسرانش که زنده مانده است و خود را حاکم مرنند می خواند راه تجارت را مسدود نموده و راه ارضروم^۱ هم بواسطه حضور دزدان ماکوئی خیلی ناامن بوده است.

این را باید مذکور دارم که از زمان آخرین شکست دولتیان، رؤسای ملتیان تلگرافات به شاه و وزیر امور خارجه مخابره نمودند و اظهار اطاعت و انقیاد به آن اعلیحضرت نموده و به وزیر امور خارجه اعلام کرده اند که با تمام قوا منافع اتباع خارجه را که در شهر سکونت دارند حفظ خواهند نمود و سواد این تلگرافات را برای اکثر نمایندگان خارجی طهران فرستادند.

(امضا) جارج بارکلی

نمره - ۳۱۷

مکتوب سر آرتر نیکلسن به سرادوارگری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۹ نوامبر ۱۹۰۸

[۱۷ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۴ شوال ۱۳۲۶]

آقا

امروز صبح از مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] ملاقات نموده از او در باب اخبار طهران در خصوص قصد شاه به نسخ مشروطیت استفسار نمودم چون از قرار تلگراف ۸ نوامبر سر

جارج [جرج] بارکلی انجام چنین اقدامی قریب‌الوقوع بنظر می‌آمد. بر من اینطور معلوم گردید که به مسیو ایسولسکی در این باب از طرف مسیو دوهارت ویک خبری نرسیده بود و بنابراین من مضمون تلگراف فوق‌الذکر سر جارج بارکلی را برای او قرائت نموده و به جناب معظم‌الیه [معظم‌له] اظهار داشتم که متعاقب وصول آن تلگراف، تلگراف دیگری از طهران برای من رسیده مشعر بر اینکه یادداشت متحدالمآل دیروز به وزیر امور خارجه داده شد و چون شاه ظاهراً فقط وعده داده بود که به‌صدر اعظم امر دهد که بر وفق عریضجاتی که اظهارات برضد مشروطیت نموده بودند عمل نماید حالا امکان داشت که شاه مجدداً ملاحظه وضعیت خود را بنماید و هرگاه در نسخ مشروطیت اصرار شود نتایج و عواقب آن احتمال کامل می‌رود بسیار وخیم باشد و در هر صورت نظر به نصایحی که دولتین روس و انگلیس مکرراً به شاه داده‌اند دولتین باید چنین اقدامی را از طرف او به نظر بسیار جدی و سخت بنگرند. به نظر من چنین می‌آید بایستی به یسک نحوی به‌شاه فهمانید که به این طور سهل و ساده نمی‌تواند به نصایحی که به او شده بی‌اعتنائی نماید.

مسیو ایسولسکی اهمیت موقع را بخوبی شناخته است ولی اظهار داشت تا زمانی که از مسیو دوهارت ویک راپورتی نرسد نمی‌تواند عقیده قطعی خود را اظهار نماید و برای کسب راپورتی از او در خصوص حقیقت ماوقع تلگراف کرده است. او به من گفت می‌خواهم بدانم شما چه اقدامی را می‌توانید ارائه نمایید که عدم قبول دولتین را به شاه بنمایاند. من به ایشان اظهار داشتم مشکل است اقداماتی را که بسیار بجا و مناسب باشد معین نمود؛ البته پروتست فقط چندان اثری نخواهد داشت ولی شاید اگر دولت روس صاحب‌منصبان خود را تا مدت محدودی باز خواسته نگذارند نزد او باشند شاه ممکن است بفهمد که از دولت روس نمی‌تواند انتظار همراهی و کمکی داشته باشد.

مسیو ایسولسکی این ارائه طریق را مطلقاً رد نمود ولی اظهار داشت که چنین اقدامی مورد اعتراضات بزرگ می‌باشد، بهتر این است صبر شود تا اطلاعات کاملتری در خصوص آنچه حقیقتاً واقع شده بدست آید و از تلگرافات عمومی اینطور مفهوم می‌گردید که عریضه‌هایی که به شاه تقدیم شده بود فقط مقدمه اقدامی از طرف آن اعلیحضرت بود و ذکر نشده بود که شاه به نسخ مشروطیت رضا داده باشد.

نمره - ۳۱۸

مکتوب سر آرتر نیکلسن به سرادوردگری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۱۳ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۱ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۸ شوال ۱۳۲۶]

آقا

مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] امروز چند قسمت از تلگرافات مفصلی را که از طهران رسیده بود برای من قرائت نمود و اظهار داشت این تلگرافات را سفارت فرستاده و اوضاع

پایتخت ایران را بسیار تیره و تار شرح داده‌اند.

من به ایشان اظهار داشتیم محض تسکین اهالی لازم است مجلس تشکیل گردد و شاید آنوقت بشود به يك وسیله در اوضاع بهبودی داده شود. مسئله عمده آن است که شروع به انتخابات شده و مجلس منعقد گردد. اطمینان دارم در این ملاقاتی که امروز سفرای انگلیس و روس از شاه می‌کنند ما طوری بکنیم که از مساعی و اقدامات مستبدین نتیجه‌ای حاصل نشود. (امضا) آرتر نیکلسن

نمره - ۳۱۹

مکتوب سر آرتر نیکلسن به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورگ، ۱۴ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۲ آبان ۱۲۸۷؛ ۱۹ شوال ۱۳۲۶]

آقا

دیشب مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] شرحی در خصوص اوضاع ایران که هنوز خیالات او را مضطرب می‌دارد بیان نموده گفت من در دومی مسئله تصمیم رأی نموده‌ام: یکی عدم مداخله و دیگری عدم تقویت شاه. این را ممکن است جنبه منفی پلتیک بدانیم ولی از حیث جنبه مثبت آن در اضطراریم باین معنی که جناب معظم‌الیه [= معظم‌له] بطور واضح از آنچه نباید بکند مستحضر است ولی درست نمی‌داند چه بایستی بکند. احتمال اینکه مملکت دو مرتبه دچار هرج و مرج شود و باعث حدوث اتفاقاتی گردد که دولتین را مجبور به مداخله نماید او را همواره مکدر داشت و برای يك نقشه رفورمی که پس از مشورت با دولت اعلی‌حضرتی به شاه بقبولانند فکر کرده بود و به نظر او چندان فایده نداشت يك نقشه ریخته شود در صورتیکه کسی یا هیئتی که لایق اجرای آن باشد در ایران پیدا نمی‌شود. مسیو دوهارت ویک [که] در شرف حرکت و عازم سنت پترزبورگ بود در نظر داشت که به ورود آنجا يك کمیته اداره کوچکی تأسیس نماید که بتوانند يك نقشه‌ای که سبب علاج موقع باشد طرح‌ریزی نمایند.

او مسرور بود از اینکه فرمانفرمای قفقازیه در مسئله اینکه تا آخرین دقیقه از هرگونه مداخله دوری جویند با او موافق بوده در واقع این مسئله صبر و تحمل دولت روسیه را در مورد امتحان گذارده است. او نیز در باب ارائه طریقی که من نمودم بر اینکه صاحب‌منصبان روسی را باز بخواهند تا آنکه علامت نارضایتی دولت روس باشد مشغول فکر بوده ولی می‌ترسیده است با این اوضاع چنین اقدامی بسیار خطرناک باشد چرا که در غیاب آنها هیچ نمی‌توان اعتماد نمود بر اینکه بریگاد قزاق اصلاً از روی نظم و ترتیب حرکت کنند و برای تسکین اوضاع حالیه اقدامی بایستی بعمل آید. از قرار معلوم شاه از انتشار قانون انتخابات و انعقاد مجلس سرپیچی می‌نمود.

امروز بعد از ظهر مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] مجدداً در باب وضع امور ایران و مخصوصاً احوال آذربایجان بیاناتی نموده اظهار داشت که ستارخان در جلفای ایران

حاکمی تعیین نموده و او بیرق قرمزی برافراشته و فوراً یکصد و پنجاه نفر از رولوسیونرهای خاک روسیه به وی ملحق گردیده‌اند. راست است که طرق تجارتی حالیه مفتوح می‌باشند ولی اتباع روس مقیم تبریز اتصالاً مورد تهدیدات واقع شده اسباب رنجش آنها فراهم می‌آید و از اینکه او دست روی دست گذاشته و هیچ اقدامی ننموده است او را ملامت و سرزنش می‌کنند. مسیو دوهارت ویک راپورت داده بود که نصایح او و سر جارج [جرج] بارکلی در شاه تأثیری پیدا نموده ولی هنوز آن اعلیحضرت اقدامات قطعی برای قبول مستدعیات ما بعمل نیاورده است بعلاوه هرگاه مجلس منعقد گردد بجز تهیهی احساسات عامه کار دیگری نخواهد کرد و به نظر وی مجلس قادر نخواهد بود که امورات را به حالت معمولی و عادی اعاده دهد.

من به مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] اظهار داشتم که ما صبر و تحمل زیادی [را] که دولت روس بخرج می‌دهد و در مواقع بسیار سخت و مشکل بخرج داده‌است کاملاً در نظر داریم و ایشان بلاشک فهمیده‌اند که صدراعظم از صبری که روسیه بخرج داده و ایفای به عهد خود در مراعات معاهده شهادت کامل داده‌اند. فکر من این بود که ما بایستی اصرار به اعلان قانون انتخابات و تشکیل مجلس بنماییم و هرگاه این اقدامات به انجام برسد ممکن است در موقع تسکین حاصل گردد. من به ایشان اظهار داشتم که خلاصه نظریات او را که دیشب برای من اظهار داشت به شما تلگراف نموده‌ام و همینکه جواب از طرف شما رسید فوراً او را مستحضر خواهم داشت.

اوضاع آذربایجان بلاشک اسباب تشویش دولت روس گردیده مخصوصاً بواسطه آنکه ستارخان مستقلاً و به اراده شخصی عمل می‌نماید و رولوسیونرهای قفقازیه هم نسبت به او و آنچه او در پی حصول آن است همدردی و اقدامات می‌نمایند.

(امضا) سرآرترنیکلسن

نمره - ۳۲۰

مکتوب سرآرترنیکلسن به سرادوار دگری (واصله ۲۳ نوامبر)

سنت پترزبورغ، ۱۸ نوامبر ۱۹۰۸

[۲۶ آبان ۱۲۸۷؛ ۲۳ شوال ۱۳۲۶]

آقا

بایستی راپورت دهم که مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] امروز چنانچه تقریباً در هر موقعی که با ایشان ملاقات می‌کنم مجدداً از اشکالاتی که در مسئله خواهشات عامه بر حفظ منافع روس در آذربایجان دچار گردیده است شرحی اظهار داشت و به من گفت که به تجارت روس بطور سخت تضییق شده و به اتباع روس تهدیدات و مزاحمت می‌شود و او نمی‌داند دیگر بتواند بیش از این از اقدامات خودداری نماید. مطبوعات روسیه در این باب مقالات نوشته و از دولت درخواست می‌نمایند اقدامی بنمایند. ستارخان در معنی فعال مایشاء است ولی در واقع به حرف رولوسیونرهای قفقازی که برای هرگونه شرارت کاری حاضر بودند

گوش می‌داد.

امروز صبح هم روزنامه «نویه‌ورمیا» و هم «بورس گازت» درباب اوضاع و احوال امور آذربایجان مقالاتی چند درج و منتشر نموده‌اند. روزنامه اولی چنین می‌نویسد: به‌علت عدم مداخله روس در آذربایجان و بی‌قدرتی شاه، موقع ستارخان در تبریز محکم‌تر می‌شود و هرج و مرج بیشتر می‌گردد. هرگاه این وقایع سابقاً روی می‌داد دولت روس یقیناً طور دیگری عمل می‌نمود. خپوه و خجند و ترکمانیه برای آنکه بر قوافل روس حمله نموده بودند آزادی خود را از دست دادند ولی حالا دوره تغییر کرده تجارت روس اتصالاً خسارت کشیده و آیا این وضع تاکی طول خواهد کشید. هرگاه انگلستان به جای روس بود البته اینطور صبر و تحمل بخرج نمی‌داد. به علاوه خسارات مالی که دولت روس ناچار تحمل نموده خسارت نفوذی هم متحمل شده است. هرگاه ستارخان به عوض آنکه يك مسلک ثابت خصومت کارانه نسبت به روس اتخاذ کند فقط مشغول منازعه با شاه بود هیچکس شکایتی نداشت. به‌علاوه، خطری که برای روس متصور است از بابت قبایل تاتا ماوراء قفقاز می‌باشد که با دقت تمام حوادث تبریز را مراقب بوده و ستارخان را یکی از قهرمانان می‌پندارند.

«بورس گازت» می‌نویسد چه مسیو دوهارت ویک به طهران بیاید یا نیاید شکی نیست که از منافع و اهمیت مقام روس بطور کفایت دفاع بعمل نیامده و نویسنده از درک اینکه چرا دولت روس مثل يك تماشاچی بر حوادث ایران نگریسته و اقدامی نمی‌کند قاصر است و می‌گوید امروز یا فردا آذربایجان اعلان استقلال خود را داده و آن وقت روس يك همسایه بی‌نظم تازه خواهد داشت. «بورس گازت» این‌طور صلاح می‌داند که دیپلوماسی روس بایستی صریحاً انعقاد مجلس را تقاضا نموده و باتفاق دولت انگلستان آرام نمودن ایران را به عهده گیرند و هرگاه دولت روس نمی‌خواهد که دولت عثمانی از این موقع استفاده نماید بایستی پلتیک مجدانه‌ای در ایران اتخاذ نماید.

(امضاء) سرآرتور نیکلسن

نمره ۵ - ۳۴۱

تلگراف سرجارج [جرج] بارکلی به سرادواری (واصله ۲۳ نوامبر)

طهران ، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

راجع به تلگراف دیروز من، بامسیو سابلین آخر الامر درباب اوضاع مذاکره نمودم و تصور می‌کنم خوب است نمایندگان دولتین استدعا نمایند شاه هر دو آنها را به حضور خود پذیرفته آنوقت تقاضاهای ذیل را بنماییم: اول آنکه صدراعظم و امیر بهادر جنگ را که پلتیک مستبدانه آن اعلیحضرت را بیشتر بایستی به آنها نسبت داد از کار خارج نماید و ثانی آنکه اعلانی راجع به استقرار مشروطیت صادر و منتشر نماید.

نمره - ۳۲۲

تلگراف سر ادواردگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

اقدامی که برحسب راپورت مندرجه تلگراف دیروز خود درباب دستخطی که شاه اخیراً صادر نموده کرده‌اید صحیح است.

نمره - ۳۲۳

تلگراف سر ادواردگری به سر آرتر نیکلسن

وزارت خارجه، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

از آنجایی که شاه برحسب دستخط آخری خود مشروطیت ایران را معدوم نموده است دولتین روس و انگلیس بایستی موقعی را که بواسطه این اقدام حادث گردیده با کمال دقت مراقب باشند.

من اهمیت اعتراضات علیه بازخواستن صاحب منصبان روسی را از طهران خوب درک می‌کنم. رویهمرفته به نظرم چنین می‌آید که بهترین کاری که کرده شود این است که ملتیان ایران را بگذاریم خود برشاه فشار آورند. هرگاه نمایندگان دولتین به شاه اناهار متحدالمالی نمایند به این مضمون که حالا که ناتوانی شاه در حکمفرمایی بر تبریز به ثبوت رسیده و بواسطه عدم ایفاء به عهد خود در باب مشروطیت دیگر هیچ احتمال اینکه بتواند خود آن صفحه را در تحت انتظام آورد نمی‌رود و بعلاوه هرگاه بخواید دو مرتبه وضعیت خود را در آن نقطه محکم نموده و اغتشاشاتی بواسطه این اقدام به ظهور رسد در صورتی که مشروطیت که فقط وسیله علاج هرج و مرج ایالات و ولایات شمرده می‌شود وجود ندارد، ما او را بکلی مسؤل خواهیم دانست. ما ممکن است به این مقصود نائل گردیم.

بهترین طریق که به نظر من می‌رسد این است که از هرگونه مداخله در امور داخلی ایران احتراز نموده بگذاریم اهالی خود به حل مسئله بپردازند ولی هرگاه هیئتی که امروزه در آذربایجان بیشتر قدرت دارند بطور غیردوستانه با دولت روس سلوک نمایند آن وقت می‌دانم که پای‌بندی به پلتیک عدم مداخله بسی دشوار خواهد بود.

شما باید این نظریات را به استحضار مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] رسانیده از او خواهش کنید که هرگاه تصویب می‌نماید به نماینده دولت روس مقیم طهران بروفق آن تعلیم دهد.

نمره - ۳۳۴

تلگراف سر جرج بار کلی به سرادوار دگری (واصله ۲۴ نوامبر)

طهران، ۲۳ نوامبر ۱۹۰۸

[یکم آذر ۱۲۸۷؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۶]

به علت اظهارات ۲۲ نوامبر ما شاه امر به توقیف دستخط خود داده است. علی ای حال ما فعلاً در صدد استدعای حضور یافتن دو ترجمانها هستیم و آنها مطالبی را که بموجب تلگراف ۲۰ نوامبر به سنت پترزبورغ مخایره نموده و تصویب کرده‌اید به شاه اظهار خواهند نمود.

نمره - ۳۳۵

تلگراف سر جارج [جرج] بار کلی به سرادوار دگری (واصله ۲۵ نوامبر)

طهران، ۲۵ نوامبر ۱۹۰۸

[۳ آذر ۱۲۸۷؛ ۳۰ شوال ۱۳۲۶]

امروز وزیر امور خارجه به امر شاه از من ملاقات نموده اظهار داشت که اظهارات متحدالمال روز یکشنبه گذشته ما مخصوصاً عبارت راجع به نصایح سیئه اطرافیان او بسیار اسباب رنجش خاطر شاه گردیده است.

علاءالسلطنه سپس شروع بتوضیح دستخط اخیر شاه نموده اظهار داشت این دستخط فقط جوابی است به عریضه علماء [و] نوشته رسمی نمی‌باشد و تا اندازه‌ای که بر حضرت ایشان معلوم گردیده طبع آن به امر شاه بعمل نیامده است و بعلاوه در آن دستخط مسئله تشکیل مجلسی مثل مجلس سابق رد شده و آن اعلیحضرت هنوز مصمم می‌باشند که مجلسی که مناسب مملکت و موافق با قوانین اسلام باشد اعطا نمایند چنانچه در دستخط دوم آکتوبر وعده به آن داده‌اند.

علاءالسلطنه سعی داشت مرا ترغیب نماید در عوض آنکه ترجمانها حضور اعلیحضرت بروند من خود خواهی شرفیابی بطور غیر رسمی نمایم ولی من به ایشان اشعار نمودم که دفعه آخری که خود بطور غیر رسمی حضور شاه رفتم از ملاقات ماتتیجه‌ای به ظهور نرسید و به ایشان فهمانیدم که دفعه دیگری که شرفیاب می‌شوم با اتفاق همکار روسی خود و در تحت تعلیمات دولت متبوعه خود به حضور خواهیم رفت و محض آنکه کاری بکنیم که دیگر این ملاقات رسمی لازم نباشد می‌خواهم ترجمانها حضور شاه مشرف شده و بی‌پرده با او صحبت نمایند. حضرت اشرف ایشان راضی شدند که بر حسب میل و اراده آن اعلیحضرت عمل نمایند. علاءالسلطنه مجدداً در باب شورای مملکتی که به همین نزدیکی تأسیس خواهد شد صحبت نمود.

نمره - ۳۲۶

تلگراف سرآرترنیکلسن به سرادواری (واصله ۲۷ نوامبر)

سنت پترز بورغ، ۲۷ نوامبر ۱۹۰۸
[۵ آذر ۱۲۸۷؛ ۲ ذیقعدة ۱۳۲۶]

اوضاع آذربایجان

راجع به تلگراف ۲۳ شهر جاری شما، مسیو ایسولسکی [ایزوالسکی] دیشب در باب اوضاع امور این ایالت با من صحبت داشت و گفت از ماه فوریه تاکنون در راه جلفا الی تهریز که مخارج ساختن آن ده ملیون منات شده باج گرفته نشده و اتباع روسی معادل صدو پنجاه هزار لیرا [لیره] خسارت ادعا نموده‌اند. این اوضاع خیلی وزیر مالیه را پریشان نموده و اصرار دارد براینکه منافع روسیه بایستی به يك قسمی محافظت شود. هرج و مرج این ایالت عوض آنکه روبه تقلیل گذارد روزافزون است. اما در باب مطالبی که در تلگراف فوق‌الذکر خود ارائه طریق فرموده‌اید به شاه عنوان شود مسیو ایسولسکی چنین اظهار عقیده نمود که نظر به اینکه شاه دستخط خود را نسخ نموده چنین عنوانی دیگر لزومی ندارد.

نمره - ۳۲۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سرادواری (واصله ۲۸ نوامبر)

طهران ، ۲۸ نوامبر ۱۹۰۸
[۶ آذر ۱۲۸۷؛ ۳ ذیقعدة ۱۳۲۶]

شاه و مشروطیت

گمان می‌کنم خوب است قبل از آنکه مجدداً عنوانات رسمی متحدالمال دیگر به شاه بنماییم بگذاریم يك مدت کمی بگذرد محض آنکه اثرات اقدامات سخت متفقاً ۲۲ شهر جاری ما و نتیجه ملاقات دو ترجمانهای ما که امروز به وقوع پیوست کاملاً مشهود گردد. نتیجه ملاقات ترجمانها چندان غیر مطلوب نبود. اعلیحضرت شاه در جواب اظهارات آنها تکرار نموده‌اند که من بموجب دستخطی که اخیراً بطبع رسیده قصد عدم افتتاح يك قسم مجلسی را در نظر نداشته‌ام و فعلاً او در خیال است ببیند چه بایستی کرد و در تفکرات خود عجله نخواهد نمود. وزیر امور خارجه سفارتین را از نتیجه این تفکرات مستحضر خواهد داشت ولی همینقدر می‌تواند بگوید که شورائی تشکیل گردیده و فردا منعقد خواهد شد. ترجمانها اشعار نمودند که چیزی که خیلی لازم است تشکیل يك هیئت منتخبین است و اصرار نمودند که طرح‌ریزی برای يك هیئت نمایندگی باید به عهده شورا محول باشد.

شکی نیست که برای راغب نمودن شاه بطوری که راضی شده این کار را به عهده شورا محول نماید فشار لازم است ولی به نظر من اگر از این شورای مملکتی استفاده نموده و آنرا اول قدم برای حصول به مجلس شورای ملی بدانیم اسهل طرق خواهد بود اگر چه البته پیشرفت این اقدام بیشتر بسته به انتخاب اعضای این شورا است.

فهرستها *

www.adabestanekave.com

در این فهرستها از ذکر نام نویسندگان و مخاطبان و شهرهای مبدأ و مقصد نامهها و تلگرافها خودداری کرده‌ایم.

بیاد آوری

چنانکه خوانندگان توجه خواهند فرمود در این فهرست برخی نامهای مشابه دیده میشود که بنظر می‌رسد باید مربوط به یک شخص باشد و جا داشت که ما هم آن اسامی را در یک ردیف فهرست بندی کنیم. ولی چون قرینه و نشانه آشکاری در دست نبود که بی‌گمان شویم اسامی یادشده واقعاً مربوط به یک نفر است یا اشخاص جداگانه و مجالی هم برای بررسی بیشتر نداشتیم ازین رو آنها را به همان گونه که در متن کتاب آمده بود در فهرست گنجانیدیم تا هم خود ما به‌راه خطا نرفته باشیم و هم دست خوانندگان برای تحقیق بیشتر باز باشد.

اتابك اعظم ۴۱-۴۳، ۴۸، ۵۲، ۸۰، ۸۱، ۹۴
 احتشام السلطنه ۶، ۸۰، ۸۸، ۱۵۴، ۱۶۵
 ۱۶۹، ۱۷۶ - ۱۷۸، ۲۶۴
 احمد میرزا (سلطان) ۲۰
 ادیب التجار ۳۵
 ارباب فریدون ۱۷۸
 استد ۱۸۸
 استروگراتسکی ۳۰۰
 استوارت (استووارت) ۷۰
 استوکس (ماژور) ۹۵، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰
 ۱۹۵، ۱۹۸، ۲۰۵، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۵
 ۲۴۷، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۴، ۲۶۸، ۲۸۹
 ۳۰۶، ۳۲۳
 استهون (استونز، استونس) ۵۳، ۱۱۰
 ۲۳۵، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۸۵
 ۲۹۱، ۳۰۴، ۳۱۸
 اسکلی (دکتر) ۱۴۱
 اسمارت ۲۵۱، ۲۶۱، ۲۶۲
 اصغر خان ۲۴۹

آصف الدوله ۹۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۲۴، ۱۳۶
 ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۶
 ۳۰۵، ۳۲۲
 آقا سید جمال‌الدین واعظ ۴۰، ۴۱، ۲۱۶
 آقا سید عبدالله مجتهد ۸، ۹، ۱۱، ۲۲، ۷۷، ۷۸
 ۱۲۵، ۱۳۰، ۱۵۴، ۱۶۵، ۱۷۹، ۱۹۵
 ۲۰۰، ۲۳۷، ۲۳۸
 آقا سید محمد (طباطبائی) ۱۵۴، ۲۷
 آقا سید محمد مجتهد ۱۱، ۲۴، ۲۷، ۴۰
 ۴۲، ۱۳۰، ۱۵۶
 آقا شیخ نورالله ۲۴، ۳۵، ۸۲، ۸۳
 آقا محمد مهدی ۴۶
 آقا نجفی ۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۵، ۵۴، ۷۳
 ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۲۰، ۲۶۷
 آقا نورالله ۱۲۷، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۵۷، ۲۶۷
 اتابك ۴۲، ۴۷، ۴۸، ۵۰، ۵۶، ۶۰، ۷۶-
 ۸۴، ۸۹، ۹۴، ۹۹، ۱۱۰، ۱۱۷، ۱۳۰
 ۱۴۱

- افتخار التجار ۱۴۰
 اقبال الدوله ۲۶۷، ۲۴۹
 اقبال السلطنه ۱۱۰، ۹۴
 اقتدار نظام ۲۸۲
 اکبر میرزا ۲۴۹
 اکرم السلطان ۵۲
 اکتور (دکتر) ۲۸۲
 امام جمعہ خوی ۹۹
 امامقلی میرزا ۲۲، ۲۳
 امیر اعظم ۹۰، ۹۲، ۱۲۶
 امیر بهادر جنگ ۶، ۷، ۱۱۶، ۱۲۵
 ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۷۰
 ۱۷۱، ۱۸۴، ۲۲۷، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۶
 ۲۶۶، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۸۷، ۲۸۹، ۲۹۰
 ۳۲۱، ۳۲۸
 امین السلطان ۳۲، ۳۶
 انتظام الملک ۱۸۷، ۲۶۷
 ایزوولسکی (ایزوولسکی، ایسوولسکی) ۱۴
 ۱۸، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۴۹، ۱۵۰
 ۱۹۱-۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۲، ۲۰۹، ۲۱۰
 ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۷، ۲۵۸، ۳۱۰، ۳۱۲
 ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۷
 ۳۳۱، ۳۳۹
 بارکر ۱۴۲
 بارناوسکی (بارانوسکی، بارن اوسکی)
 ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۸۳
 بانوی عظمیٰ ۲۳۷
 برن هم (بارنهام) ۲۴، ۳۵، ۶۹، ۷۰
 برون ۷۰
 بلارانوف ۶۴
 بلک (لفتنت) ۱۲۷
 بلک من ۱۸۷، ۱۹۰، ۲۲۱
 بنکندورف ۲۹۷، ۳۰۸
 بومن ۸۲
 بهاءالواعظین ۲۶۲
 بهرام میرزا ۱۴۴، ۲۱۸
 بیزو (بیزوت) ۹۴، ۱۰۹، ۱۳۰، ۱۸۱-
 ۱۸۳، ۱۸۸، ۲۵۹-۲۶۱، ۲۶۶، ۲۶۸-
 ۲۷۰، ۲۷۵، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۹۹، ۳۰۰
 ۳۰۲
 بیل ۳۲۳
 بیوکخان (پسر رحیمخان) ۵۱، ۵۳
 پاری ۲۸
 پرویز (نک: شاهجهان)
 پریم ۲۵، ۴۲
 تقی زاده ۹۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۴۸، ۱۵۴
 ۱۶۵، ۱۹۶، ۲۱۶، ۲۲۸، ۲۳۹، ۲۴۵
 ۲۶۲، ۲۶۳
 تیمورخان ۱۵۷
 جلال الدوله ۹۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
 جهانگیر خان (صور اسرافیل) ۲۴۶، ۲۳۹
 چریکوف (چاریکوف) ۲۶۴، ۲۷۳، ۲۷۶-
 ۲۷۹، ۲۹۰، ۲۹۴ - ۲۹۹، ۳۰۷
 ۳۰۸
 حاجی آقا محسن (اراکی) ۵۵
 حاجی شیخ محمد واعظ ۱۱، ۹
 حاجی علی آقا ۲۸۶
 حاجی میرزا آقاسی ۹
 حاجی محمد حسین کازرونی ۳۵
 حاجی نایب ۱۳۸، ۱۵۸
 حسین (پسر نایب الصدر) ۲۸۶
 حسینقلی خان نواب ۹۲، ۲۴۶
 حشمت الملک ۳۵
 حمیدی ۱۶۷

- سردار اسعد ۲
 سردار سعید خان (کچی) ۱۵۹
 سردار فیروز ۲۶۸، ۲۸۶، ۳۰۶، ۳۲۳
 سردار معتضد (بهجت‌الملک) ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۷، ۱۹۰
 سردار منصور ۱۸۵، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۸
 سردار همایون ۱۷۴
 سعدالدوله ۱۶، ۲۵، ۸۱، ۷۸، ۸۶ - ۸۸، ۹۳، ۱۱۶، ۱۳۱، ۱۳۶، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۶۵
 سعدالسلطنه ۳۲۲
 سعیدالسلطنه ۹۵
 سلیمان میرزا ۲۱۷
 سید احمد (دستکی) ۱۷۵
 سید اکبر ۱۷۴
 سید جمال‌الدین (واعظ؟) ۴۱، ۲۱۶
 سید حسن ۲۶۲
 سید شهاب ۱۳۸
 سید عبدالله (نک: آقا سید عبدالله مجتهد)
 سید عبدالحسین لاری ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۱۷۵
 سید علی یزدی ۱۴۵
 سید محمد ۲۰۰، ۲۸۳
 شاپشال ۱۳۱، ۱۷۰، ۱۷۱، ۲۱۴
 شاه‌جهان (شاه جهانیان) ، پرویز ۲۷ ، ۳۵، ۱۶۲
 شجاع‌الملک ۱۲۳، ۱۲۴
 شجاع نظام ۳۰۹، ۳۲۴
 شعاع‌السلطنه ۱۴، ۱۵، ۱۵۲، ۱۵۶
 شوکت الدوله ۱۲۴
 شیخ‌الرئیس ۹، ۳۳، ۱۹۵، ۲۳۸
 شیخ‌فضل‌الله ۵۱، ۵۸، ۷۳، ۱۴۵
 شیخ محمود ۲۹
 خبیرالدوله ۱۲۷، ۱۳۹
 خسروخان ۸۳
 داپی چا (پرنس) ۹۳
 دریابییگی ۹۵، ۱۱۲
 دوکارت (ماژور) ۱۳۸
 دوگلاس (کننل) ۱۰، ۶۲، ۶۴
 ذکاء‌الملک ۱۷۸
 رایینو ۵۲، ۵۹، ۶۲، ۸۴، ۱۴۱، ۱۶۱، ۱۷۰، ۲۱۳
 راتیسلا (راتیسلاو، رتیس‌لو) ۲۳، ۲۸، ۴۳، ۵۳، ۲۶۶، ۲۹۲، ۳۱۰، ۳۱۱
 رجب افندی ۵۲
 رحیم‌خان ۵۱، ۵۳، ۲۳۶، ۲۷۱، ۲۷۲
 رشید‌الملک ۱۷۸
 رفعت نظام ۲۸۹
 رکن الدوله ۱۲۴
 رنکینگ (لیوتنان) ۱۳۹
 زیگلر ۱۳۹، ۱۵۷، ۲۷۲
 سابلین (سبلین) ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲، ۳۲۸
 ساعدالدوله ۴۳
 ساکس ۱۲۸
 سالارالدوله ۴۶، ۶۷، ۹۸، ۱۵۶، ۱۷۵
 سالارالسلطان ۳۸، ۱۷۵، ۱۷۶
 سالار مکرم ۱۲۴
 سایکس (ماژور) ۳۴
 سیه‌دار ۲۴، ۱۲۳، ۱۳۲، ۱۷۴، ۲۸۸
 سپهسالار ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۵، ۲۸۴
 ستارخان ۲۹۵ - ۲۹۷، ۳۲۶ - ۳۲۸
 سردار ارفع ۲۸۲

- صاحب اختیار ۱۳۹، ۱۶۹-۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۳۲۲، ۳۰۵
 صدیق الحرم ۲۶۲
 مصمص السلطنه ۵۴، ۸۱
 صنیع الدوله ۲۵، ۸۰، ۸۶، ۸۹، ۱۱۰، ۱۳۶، ۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۸-۱۹۰، ۲۲۰، ۲۸۹، ۳۱۸
- ظفر السلطنه ۱۲۵، ۱۳۶، ۱۵۴، ۱۷۳، ۱۸۶، ۱۸۸، ۱۹۰، ۲۲۱
 ظل السلطان ۳۱، ۶۹، ۸۱، ۸۲، ۹۰، ۹۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۳۰، ۱۳۴، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۷، ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۷۳-۱۷۶، ۱۷۹، ۱۸۸، ۱۹۰-۱۹۵، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۸، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۴۹، ۲۶۸، ۲۸۲
- ظهیر الدوله ۴۸، ۶۷، ۱۲۸، ۱۷۳، ۲۳۹
- عباس آقا (قاتل اتابک) ۹۴
 عباس خان افشار ۱۵۸
 عباسقلی خان ۵۶، ۱۶۸، ۲۵۲
 عباسقلی خان نواب ۲۴۶
 عدیل الملک ۱۷۴
- عضد الملک ۱۰، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۸۵، ۲۱۲-۲۱۵
 عطاء الدوله ۳۲۳
 علاء الدوله ۳۲، ۸۸، ۹۰، ۹۳، ۱۱۷، ۱۱۹، ۱۲۲، ۱۲۹، ۱۳۲، ۱۴۰، ۱۴۳، ۱۸۵، ۲۰۱-۲۱۴، ۲۱۷، ۲۲۸
- علاء السلطنه (محمدعلی) ۳۲، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۸۱، ۸۷، ۹۶، ۱۹۸، ۲۰۴، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۴۰، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۶۵، ۲۶۸، ۲۸۳، ۲۸۹، ۲۹۰، ۳۰۱-۳۰۳، ۳۳۰
- علاء الملک ۸۱، ۱۷۳، ۲۴۹، ۲۶۷
 علیجان (چلیانلو) ۲۲، ۲۸
 عین الدوله ۴، ۱۲، ۲۹، ۴۵، ۹۰، ۱۷۸، ۲۳۶، ۲۸۸، ۲۹۰، ۲۹۲، ۳۲۳، ۳۲۴
 غریب خان ۸۱
- فاتح السلطنه ۱۷۵
 فرخ (قاتل پرویز شاه جهانیان) ۳۵
 فرمانفرما ۳۱، ۳۲، ۷۲، ۹۱، ۱۱۰، ۱۳۳، ۱۶۷، ۱۸۷، ۲۳۶، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۹۰، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۲۴
 فریدون (زرتشتی کشته شده) ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۸۵
 فکس (ماژور) ۸۳
- قائم مقام ۱۳۶، ۱۶۹
 قوام ۳۸، ۱۱۱، ۱۲۷، ۱۳۹، ۲۸۶
 قوام الدوله ۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰
 قوام الملک ۴۴، ۴۵، ۴۹، ۵۵، ۱۱۵، ۱۲۲، ۱۳۳، ۱۶۵، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۱، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۸۸
- کاره ۱۵
 کاکس (ماژور) ۲۸۶
 کامران میرزا ۱۴۰
 کرنٹ دوف (گرنٹ دوف) ۹، ۱۱
 کسو با ایف (کاپیتان) ۶۴
- گای (ارنست) ۲۱۹، ۲۵۲
 گراهام (گراهام، گریهم) ۳۸، ۱۲۲، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۵، ۱۷۷

مشير السلطنه ٨١ ، ٢٢٠ ، ٢٤٠ ، ٢٦٨ ، ٣٠٠	لشكر نويس باشى ١٢٤
مشير الملك ٣١	لوتر (سر) ٢٩٢
مشير الممالك ٣٥	لوريم (كاپيتان) ٧٩
مظفر نظام ١٢٣ ، ١٢٤	لياخوف (كنل) ٦٣ ، ٦٤ ، ١١٦ ، ١٢٥ ،
معاضد السلطنه ٢٦٢ ، ٣٢٢	١٤٠ ، ٢٠٠ ، ٢٠٣ ، ٢١٠ ، ٢١٤ ،
معاون الدوله ٣٢	٢٣٧ ، ٢٤٠ ، ٢٤٢ ، ٢٤٣ ، ٣٢١
معمدديوان ١١١ ، ١٢٢ ، ١٣٣ ، ١٧٥ ،	ليس آوسكى ٨٢
٢٨٦ ، ٢٤٩ ، ٢٥٠	لى گس ١٢٨
معين الدوله ١٤٠	لينج (لنج) ٨١ ، ٨٢ ، ٢٨٣
معين الوزاره ٢٣٩	ليندلى (دكتر) ١٦٨
مفتاح السلطنه ٢٢٧ ، ٢٤٦ ، ٢٦٢ ، ٢٦٣	مؤتمن الملك ٣١ ، ١١٠ ، ١٧٣ ، ٢٢٠
مقتدر نظام ١٥٤	مؤيد الدوله ٣٥ ، ٢٢٣ ، ٢٤٠ ، ٢٤٥ ، ٣٢١
ملا مهدي ٤٦ ، ٤٧	مؤيد السلطنه ١٧٣
ملك المتكلمين ١٤٠ ، ٢١٦ ، ٢٣٩ ، ٢٤٦	مجد الملك ٨١
مليكان (دكتر) ٢٣٨	مجلل السلطان ١٥٤
ممتاز الدوله ١٧٨ ، ٢١٢ ، ٢٤٦	محتشم السلطنه ١٣ ، ١٣٢ ، ١٩٠ ، ٢٢٠
منصور الملك ١٧٥	محتشم الملك ١٧٤
مهدي خان ٩٦	محمد آقا ١٥٧
مهندس الممالك ٣٢ ، ٨١	محمد خان ١٤٣
ميرزا حسن خان (اصفهانى) ٢	محمد رضا خان ٣٥
ميرزا سيد ابوالقاسم خان ٢	محمد على ميرزا (محمد على شاه) ٣ ، ٢٠ ، ١٠٣ ،
ميرزا على اكبر خان ٢٦٢	٢٤٣ ، ٣٠٧
ميرزا كاريز خان ٢٦٨	مخبر السلطنه ٣٢ ، ٨١ ، ٨٦ ، ١١٠ ، ١٣٦ ،
ميرزا كاظم خان ٢٨٦	١٧٣ ، ١٧٨ ، ٢٣٦
ميرزا محمود خان ٢	مرتضى قلى خان ٢٤٦
ناصر الدين شاه ٦٥ ، ٨٩	مرنارد ٣٠ ، ٥٩ ، ٦١ ، ١٦٠ ، ١٦١
ناصر السلطنه ٢٨٧	مساوات ٢٣٩ ، ٢٤٥
ناصر الملك ٢٥ ، ٣٢ ، ٨١ ، ٨٤ ، ٨٦ ، ١٠٩ ،	مستشار الدوله ١٥٤ ، ٢١٦ ، ٢١٩ ، ٢٣٨
١١٧ - ١١٩ ، ١٢٢ ، ١٣٣ ، ١٣٦ ، ١٣٩ -	مستوفى الممالك ٨١ ، ١١٠ ، ١٨٦ ، ٢٢٠
١٤٣ ، ١٨١ ، ١٨٦ ، ٢١٤	مشير الدوله ١٣ ، ٢٥ ، ٣٠ ، ٣١ ، ٧٩ ، ٨١ ،
ناظم ١٣٨ ، ١٥٨	٨٦ ، ٨٩ ، ٩٣ ، ١١٠ ، ١١٤ ، ١٣٠ ،
ناظم التجار ١١٢ ، ٣٢٢	١٣٦ ، ١٤٦ ، ١٥٢ ، ١٦٠ - ١٦٤ ، ١٧٠ ،
نايب الصدر ٢٨٦	١٧٢ ، ١٨٢ ، ١٨٥ ، ١٨٩ ، ٢١٢ ، ٢١٣ ،
نايب حسين ١٦٦	٢٢٠ ، ٢٦٥

وزیر همایون ۳۲، ۸۱	نصرالدوله ۱۷۵
ویلسن (لیوتنان) ۱۳۹	نظام السلطنه ۳۱، ۴۵، ۵۴، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲،
هارتویگ (هارتویک) ۴۷، ۷۷، ۸۶، ۱۲۸،	۱۲۷، ۱۳۶، ۱۵۲ - ۱۵۴، ۱۶۱،
۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۲، ۱۷۲، ۱۸۹، ۱۹۱ -	۱۶۵، ۱۶۹، ۱۷۳، ۱۷۵، ۱۸۶،
۱۹۳، ۱۹۵، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۱۲ -	۱۸۸، ۱۹۰
۲۱۴ - ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۳۷ - ۲۳۹،	نظام الملك ۲۲، ۴۲، ۷۲، ۸۱
۲۶۰، ۲۷۵ - ۲۸۰، ۲۸۳، ۲۸۹،	نعمت الله (قاتل قوام الملك) ۱۷۵
۲۹۲ - ۲۹۵، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۱،	نقیب السادات ۵۱
۳۰۸، ۳۱۴ - ۳۱۷، ۳۲۵ - ۳۲۸	نوز ۷، ۲۴، ۲۵، ۳۰، ۳۱، ۴۲، ۵۲، ۱۸۳
هاکینتر ۲۵۲	نیرالدوله ۵۴، ۱۳۲
هاورس (هاورت؛ کاپیتان) ۴۷، ۴۸، ۹۷،	نیلکان (دکتر) ۱۴۱
۱۲۸، ۱۹۰	وزیر افخم (سلطانعلی خان) ۱۹، ۳۲، ۲۵۴
های نیک (کاپیتان) ۱۲۷، ۱۲۸	وزیر اکرم ۲۴، ۴۴، ۱۱۰
هرمز میرزا ۲۱۴	وزیر مخصوص ۸۱

نام جایها

،۹۴ ،۱۰۸ ،۱۱۳ ،۱۲۶ ،۱۲۷ ،۱۳۲ ،
،۱۳۸ ،۱۴۴ ،۱۵۷ ،۱۵۸ ،۱۶۶ ،۱۶۷ ،
،۱۷۰ ،۱۷۳ ،۱۷۴ ،۱۷۷-۱۸۰ ،۱۹۰ ،
، ۲۰۰ ، ۲۱۸ ، ۲۲۰ ، ۲۲۷ ، ۲۳۰ ،
،۲۴۹ ،۲۶۶ ،۲۶۸ ،۲۷۴ ،۲۸۱ ،۲۸۹ ،
۳۲۳ ، ۳۲۲

افغان ۷۵

انار ۱۸۷

اترلی ۳۷ ، ۴۴ ، ۵۲ ، ۵۴ ، ۷۰ ، ۷۲ ، ۲۶۳ ،
انگلستان (انگلیس) ۴۴ ، ۴۵ ، ۱۱۲ ، ۱۴۱ ،
، ۱۸۸ ، ۱۹۶ ، ۲۸۹ ، ۲۹۲ ، ۲۹۸ ،
، ۳۰۰ ، ۳۰۱ ، ۳۰۴ ، ۳۰۵ ، ۳۱۱ ، ۳۲۲ ،
۳۲۵ ، ۳۲۶ ، ۳۲۸

اورمیه (نک: ارومیه)

اهواز ۹۶ ، ۱۱۳ ، ۱۳۹ ، ۲۸۳

آذربایجان ۴۱ ، ۴۳ ، ۴۹ ، ۵۳ ، ۶۶ ، ۷۲ ،
، ۸۱ ، ۹۴ ، ۱۴۸ ، ۲۶۲ ، ۲۶۶ ، ۲۶۹ ،
، ۲۷۳ ، ۲۸۱ ، ۲۸۴ ، ۲۸۵ ، ۲۹۱ ،
۳۰۳ ، ۳۰۹ ، ۳۱۵ ، ۳۱۸ ، ۳۲۰ ، ۳۲۶ ،
— ۳۲۹ ، ۳۳۱

آستارا ۵۴ ، ۱۳۷ ، ۲۶۹

اترك ۱۲۶

اردبیل ۶۶ ، ۷۲ ، ۱۷۸

اردستان ۳۰۵

ارزروم (ارضروم) ۳۲۴

ارومیه (اورمیه) ۱۳۲ ، ۱۳۷ ، ۲۶۶

استراباد ۱۰۸ ، ۱۱۳ ، ۱۲۳ ، ۱۲۶ ، ۱۳۲ ،
، ۱۶۵ ، ۱۷۴ ، ۱۷۹

اصفهان ۳۴ ، ۳۵ ، ۳۸ ، ۵۴ ، ۶۶ ، ۶۹ ،
، ۷۰ ، ۷۲-۷۵ ، ۷۹ ، ۸۱ ، ۸۲ ، ۹۳

- ۱۹۲-۱۹۴، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۲، ۲۲۵، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۷، ۲۷۹، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷-۲۹۹، ۳۰۱، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۰، ۳۱۴، ۳۱۶، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۴-۳۲۷، ۳۳۰، ۳۳۱
- بارفروش ۲۴۸
بارنگ ۱۶۷
باطوم ۳۱۸
بافت (بفت) ۱۶۷
باغشاه ۳۱۸ - ۳۲۱
باغو ۱۸۰
باکو ۳۷، ۴۱، ۴۲، ۱۴۱
باند ۲۳، ۲۸
بجنورد ۱۲۳
بحر خزر ۵۴
بختیاری ۵۴، ۲۸۳
برازجان ۱۳۹، ۱۵۸
بردسیر ۱۶۷
برلن ۲۰۶
بطوند (بتوند) ۱۱۳، ۱۳۹
بغداد ۱۵۸، ۳۲۲
بلوچستان ۲۶۹
بم ۱۶۷، ۱۷۴، ۲۸۹
بندر جز (بندرگر) ۱۲۳
بندر دیلم ۳۸
بندر ریگ ۳۸
بندرعباس ۴۵، ۷۵، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۳۳، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۸۰، ۲۸۲
بوشهر ۳۸، ۴۵، ۷۳، ۸۳، ۸۴، ۹۵، ۱۱۲، ۱۱۷، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۶، ۱۸۰، ۲۰۵، ۲۰۸، ۲۸۲
۲۸۶، ۲۸۹، ۳۲۳
بیت المقدس ۳۸
بیرجند ۷۵، ۱۷۰
پرتغال ۱۶۵
پروسک ۱۷۷
پطرزبورغ (سنت پطرز بورغ) ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۱، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۸۳
تالش (تالش دولاب) ۵۴، ۳۰۵، ۳۶۶
تبریز ۳۳، ۳۷، ۴۲، ۵۱-۵۴، ۶۶، ۷۲، ۸۱، ۹۴، ۱۰۸-۱۱۲، ۱۱۵، ۱۲۵، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۵، ۱۵۷، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۴، ۱۷۸، ۱۹۶، ۲۱۸، ۲۳۵، ۲۴۹، ۲۵۷، ۲۶۶، ۲۷۱-۲۷۴، ۲۷۸، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۸-۳۰۰، ۳۰۷، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۸، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷-۳۲۹، ۳۳۱
تربت حیدری ۱۲۴، ۱۵۷، ۱۸۷، ۲۶۶
تفلیس ۶۳
تنگستان ۲۵۵
جاجرم ۲۸۹
جلفا ۸۳، ۱۵۰، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۷-۳۱۰، ۳۱۸، ۳۲۴، ۳۲۶، ۳۳۱
جوین ۱۲۳، ۱۲۶
جیرفت ۱۶۷، ۲۸۲
چاد بهار ۱۵۹
چاپیانلو ۲۲
چهار محال ۱۸۸، ۲۶۸، ۳۲۳
حضرت عبدالعظیم - شاهزاده عبدالعظیم ۲۷
خان کرکن ۱۵۸
خجند ۳۲۸
خراسان ۶۶، ۱۱۰، ۱۲۳، ۱۲۶، ۱۳۷
خرم آباد ۱۷۰، ۱۷۵

فهرست نام جایها

یازده

ساوه ۶۳	خزر ، دریا (نك: بحر خزر)
سبزوار ۱۲۳ ، ۱۲۴ ، ۱۳۷	خطیب ۲۹۲
سلطان آباد ۳۹ ، ۵۵ ، ۸۲ ، ۱۷۹ ، ۲۱۸	خلج ۲۴۴
۲۶۷	خلیج فارس ۹۶ ، ۱۵۹ ، ۱۶۷ ، ۱۷۶ ، ۲۵۰
سلاماس ۱۲۵	۲۸۲
سمنان ۱۶۵	خوی ۱۱۰ ، ۱۲۵
سوء ۷۴	خیوه ۳۲۸
سیدان ۲۴۹	
سیستان ۳۵ ، ۷۳ ، ۱۱۲ ، ۱۶۷ ، ۲۶۹	دالکی ۱۵۸ ، ۱۶۷ ، ۲۶۸
سیوند ۱۸۸ ، ۳۰۵	دخمه کیخسرو ۱۵۹
	درجز ۱۲۳
شادنو ۱۶۶	درخلیل ۲۶۳
شفیع آباد ۱۲۳	دوج ۱۶۶
شمس ۱۶۷	دوشان تپه ۱۶۸
شیراز ۳۶ ، ۳۸ ، ۴۴ ، ۴۵ ، ۶۷ ، ۸۲	دولت آباد ۱۶۷
۸۳ ، ۹۵ ، ۱۰۸ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲ ، ۱۱۵	دوه چی ۳۲۴
۱۱۶ ، ۱۲۲ ، ۱۲۷ — ۱۲۹ ، ۱۳۲	دهبید ۱۵۸ ، ۱۸۸
۱۳۳ ، ۱۳۹ ، ۱۴۴ ، ۱۵۵ ، ۱۵۸ ، ۱۶۲	
۱۶۳ ، ۱۶۷ ، ۱۶۹ ، ۱۷۰ ، ۱۷۳ ، ۱۷۵	رام هرمز ۲۸۳
— ۱۸۰ ، ۱۸۵ ، ۱۸۸ ، ۱۹۰ ، ۲۰۰	رشت ۳۷ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۵۳ ، ۶۶ ، ۷۳ ، ۱۱۰
۲۱۸ ، ۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۶۸ ، ۲۸۱ ، ۲۸۲	۱۲۶ ، ۱۳۳ ، ۱۳۷ ، ۱۴۴ ، ۱۵۷ ، ۱۵۹
۲۸۵ ، ۲۸۶ ، ۲۸۹ ، ۳۰۵ ، ۳۲۲	۱۶۵ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴ ، ۲۱۸ ، ۲۴۸
	۲۴۹ ، ۳۰۵
طبس ۱۵۷ ، ۱۸۷	رفسنجان ۱۶۷ ، ۱۷۴
طرابوزان ۱۱۰ ، ۱۲۵	رودبار (رودبار) ۲۸۲
طرق ۸۱	روسیه ۳۰۹ — ۳۱۴ ، ۳۱۶ ، ۳۲۷ ، ۳۳۱
	رینان ۲۲۰
عباس آباد ۱۲۳	ریوال ۱۹۱
غازیک ۷۵	زرکان (زرقان) ۱۸۰
	زرگنده ۲۳۷ ، ۲۴۶
فارس ۳۵ ، ۴۴ ، ۶۷ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۱۱۱ ، ۱۱۲	زرنند ۲۴۴
۱۲۹ ، ۱۳۳ ، ۱۳۹ ، ۱۶۵ ، ۱۶۸ ، ۱۶۹	زنجان ۶۶
۱۷۳ ، ۱۷۵ — ۱۷۷ ، ۱۷۹ ، ۲۱۸	
۲۴۹ ، ۲۵۰ ، ۲۶۸ ، ۲۸۲ ، ۳۰۵ ، ۳۲۲	ساوجبلاغ ۳۳ ، ۱۲۵

گواتر ۱۵۹	فرامین ۱۲۳
گوران ۱۷۵	فرانسه ۴۴، ۱۸۸
گیلان (گیلان‌ات) ۳۷، ۴۳، ۱۱۰، ۱۵۷	فومن ۱۶۶
۳۰۵	فهرج ۲۸۹
لار ۱۶۷	قرجه‌داغ (قراجه‌داغ) ۲۲۷، ۱۲۵، ۵۲، ۵۱
لرستان ۱۷۵	۲۳۵
لنگه ۱۱۲، ۱۶۷	قزوین ۱۴۴، ۲۱۸
مازندران ۱۲۳	قصرشیرین ۷۵
ماشک ۱۶۷	قفقاز (قفقازیه) ۴۱، ۳۲۶، ۳۲۸
ماکو ۵۳، ۱۲۵، ۲۷۸، ۲۸۱، ۳۰۳، ۳۲۳	قلعه افلاک ۱۷۰
۳۲۴	قم ۷۹، ۱۴۱، ۱۶۶، ۱۷۹، ۱۸۶
مالامین (مال‌امین) ۲۹	قوچان ۱۲۹، ۱۳۷
مالوم ۱۷۴	کازرون ۲۶۸، ۲۸۲، ۳۰۵
ماماتن ۱۳۹	کاشان ۳۸، ۱۲۸، ۱۳۳، ۱۵۵، ۱۵۷
محمره ۱۶۹، ۲۸۲	۱۶۶، ۱۷۰
مرند ۳۲۴	کاما ۱۲۶
مزینان ۱۲۳	کاوان ۲۹
مشهد ۳۳، ۳۴، ۶۶، ۸۳، ۱۰۸، ۱۱۳	کبوترخان ۱۷۴
۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۶، ۱۲۹، ۱۳۷، ۱۴۴	کربلا ۴۰-۴۲، ۵۸، ۱۷۵، ۲۶۷، ۲۸۲
۱۶۶، ۱۶۷، ۱۷۹، ۱۸۶، ۲۴۸، ۲۶۶	کردستان ۱۳۳
۲۸۹، ۳۲۲	کرمان ۴۴، ۶۷، ۷۵، ۸۳، ۹۵، ۱۱۱، ۱۱۲
موصل ۸۰	۱۲۸، ۱۳۲، ۱۳۸، ۱۴۴، ۱۵۸
میامی ۱۲۳	۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۷
میان دشت ۱۱۳، ۱۲۳، ۱۲۶، ۲۸۹	۱۹۰، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۸۲، ۲۸۱، ۳۰۵
میذهیدان ۱۲۳	۳۲۲
نائین ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۷، ۲۶۷	کرمانشاه ۳۶، ۳۹، ۴۸، ۴۹، ۵۶، ۶۷، ۷۳
ناردین ۱۲۳	۷۹، ۸۴، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۰۸، ۱۲۵
نجف ۱۸۸، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۸۲، ۲۸۹، ۳۲۱	۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۹، ۱۸۸، ۲۱۸، ۲۲۱
نصرت آباد ۱۶۷، ۱۷۰	۲۶۹
نظام آباد ۷۴، ۸۱	کسما ۱۶۵
نوگنبد ۱۶۶	کمارج ۲۶۸، ۲۸۲
نیاوران ۲۵۳	کنار تخته ۱۶۷، ۲۸۲

يزد ٣٥، ٦٦، ٧٥، ٨٢، ٨٣، ٩٥، ١٢٧،
 ١٢٩، ١٣٢، ١٣٣، ١٣٨، ١٤٤، ١٥٥،
 ١٥٧، ١٥٨، ١٦٣، ١٦٦، ١٦٧،
 ١٧٠، ١٧٤، ١٨٧، ١٩٠، ٢١٨، ٢٢٠،
 ٢٢١، ٢٤٩، ٢٦٧، ٢٨١، ٢٨٢، ٢٨٩،
 ٣٠٥، ٣٢٢
 يموت ١٢٦

ورامين ١٤٢، ١٤٣، ١٦٩
 وينه ١٤١

هلند ١٤٥، ١٤٦، ١٦٥
 همدان ٤٨، ٦٧، ١٥٨، ٢٤٩
 هند (هندوستان) ٢٧
 هويزه ٢٨٢

www.adabestanekave.com

www.adabestanekave.com

فهرست نام جاها
 يزد ٣٥، ٦٦، ٧٥، ٨٢، ٨٣، ٩٥، ١٢٧، ١٢٩، ١٣٢، ١٣٣، ١٣٨، ١٤٤، ١٥٥، ١٥٧، ١٥٨، ١٦٣، ١٦٦، ١٦٧، ١٧٠، ١٧٤، ١٨٧، ١٩٠، ٢١٨، ٢٢٠، ٢٢١، ٢٤٩، ٢٦٧، ٢٨١، ٢٨٢، ٢٨٩، ٣٠٥، ٣٢٢
 يموت ١٢٦
 ورامين ١٤٢، ١٤٣، ١٦٩
 وينه ١٤١
 هلند ١٤٥، ١٤٦، ١٦٥
 همدان ٤٨، ٦٧، ١٥٨، ٢٤٩
 هند (هندوستان) ٢٧
 هويزه ٢٨٢

۲۲/۱۱/۲۰۱۱ء

۱۹

۵۵/۱۱/۲۰۱۱ء

۲۲/۱۱/۲۰۱۱ء

۲۲ (مکتبہ)

۲۲

۵۶/۱۱/۲۰۱۱ء

۲۲/۱۱/۲۰۱۱ء

۵۵/۱۱/۲۰۱۱ء

۲۲/۱۱/۲۰۱۱ء

۲۲/۱۱/۲۰۱۱ء

۵۰/۱۱/۲۰۱۱ء

www.adabestanekave.com

نامہای گوناگون پراکنده

- | | |
|----------------------------------|--|
| تخت طاووس ۲۰ | آلمان (ملت) ۱۱۲ |
| ترکمانیہ (ملت) ۳۲۸ | ارامنہ (ملت) ۴۲ |
| تمدن (روزنامہ) ۹۳ | انجمن عباسی ۱۲۶ |
| | انجمن ظہیر الدولہ ۲۳۹ |
| جبل المتین (روزنامہ) ۲۹، ۹۳ | انگلیس (ملت) ۲۸۹، ۲۹۲، ۲۹۸، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۴، ۳۱۱، ۳۲۲، ۳۲۵ |
| دیکسن (کمپانی) ۱۲۶ | ۳۲۶ |
| روس (ملت) ۲۸۹، ۲۹۳ - ۳۰۱، ۳۰۴ | بوس گازت (مجلہ) ۳۲۸ |
| ۳۰۷، ۳۰۸ - ۳۱۲، ۳۱۴، ۳۱۸ | بہار (طایفہ) ۱۳۹ |
| ۳۱۹، ۳۲۲ - ۳۲۹ | بہارلو (طایفہ) ۱۳۳ |
| زردشتی - زردشتیان (ملت) ۱۶۳، ۱۶۲ | پارسیان پارسی‌ها (ملت) ۲۷، ۴۰، ۴۲، ۱۶۲ |
| زیگار (زیقار، کمپانی) ۱۲۶، ۲۱۸ | پرسی‌یوس (کشتی) ۱۵۹ |
| سیلاخور - سیلاخوری ۲۳۷، ۲۳۸ | تاتار (ملت) ۳۲۸ |
| صو اسرافیل (روزنامہ) ۲۴۵ | |

مظفر (روزنامه) ۲۹
 ندای وطن (روزنامه) ۲۹
 نویه ورمیا (روزنامه) ۳۲۸
 یهود (ملت) ۳۸، ۴۲

کااوند (طایفه) ۱۹۰
 گیر (ملت) ۱۸۵ - ۲۲۱
 لاپینگ (کشتی) ۱۲۹، ۱۵۹
 لینچ (کمپانی) ۱۷۹
 مجلس (روزنامه) ۲۹
 محاکمات (روزنامه) ۱۷۸

نامهای دیگر در این کتاب

شماره اول تا شماره پنجاه

۱. ...
 ۲. ...
 ۳. ...
 ۴. ...
 ۵. ...
 ۶. ...
 ۷. ...
 ۸. ...
 ۹. ...
 ۱۰. ...
 ۱۱. ...
 ۱۲. ...
 ۱۳. ...
 ۱۴. ...
 ۱۵. ...
 ۱۶. ...
 ۱۷. ...
 ۱۸. ...
 ۱۹. ...
 ۲۰. ...
 ۲۱. ...
 ۲۲. ...
 ۲۳. ...
 ۲۴. ...
 ۲۵. ...
 ۲۶. ...
 ۲۷. ...
 ۲۸. ...
 ۲۹. ...
 ۳۰. ...
 ۳۱. ...
 ۳۲. ...
 ۳۳. ...
 ۳۴. ...
 ۳۵. ...
 ۳۶. ...
 ۳۷. ...
 ۳۸. ...
 ۳۹. ...
 ۴۰. ...
 ۴۱. ...
 ۴۲. ...
 ۴۳. ...
 ۴۴. ...
 ۴۵. ...
 ۴۶. ...
 ۴۷. ...
 ۴۸. ...
 ۴۹. ...
 ۵۰. ...

۵۱. ...
 ۵۲. ...
 ۵۳. ...
 ۵۴. ...
 ۵۵. ...
 ۵۶. ...
 ۵۷. ...
 ۵۸. ...
 ۵۹. ...
 ۶۰. ...
 ۶۱. ...
 ۶۲. ...
 ۶۳. ...
 ۶۴. ...
 ۶۵. ...
 ۶۶. ...
 ۶۷. ...
 ۶۸. ...
 ۶۹. ...
 ۷۰. ...
 ۷۱. ...
 ۷۲. ...
 ۷۳. ...
 ۷۴. ...
 ۷۵. ...
 ۷۶. ...
 ۷۷. ...
 ۷۸. ...
 ۷۹. ...
 ۸۰. ...
 ۸۱. ...
 ۸۲. ...
 ۸۳. ...
 ۸۴. ...
 ۸۵. ...
 ۸۶. ...
 ۸۷. ...
 ۸۸. ...
 ۸۹. ...
 ۹۰. ...
 ۹۱. ...
 ۹۲. ...
 ۹۳. ...
 ۹۴. ...
 ۹۵. ...
 ۹۶. ...
 ۹۷. ...
 ۹۸. ...
 ۹۹. ...
 ۱۰۰. ...

**فهرست نکته‌ها و رویدادهای مهم که
در ضمن اسناد از آنها یاد شده است**

- | | |
|--|---|
| تیرگی روابط مردم با محمدعلی شاه ۲۱ | مرگ مظفرالدین‌شاه ۴ |
| آشکار شدن احساسات ضد اروپائی در مردم ایران ۲۲ | طرح قانون اساسی در مجلس ۱۷ |
| پناهندگی مردم اورمیه به کنسول‌خانه و تلگرافخانه انگلیس ۲۲-۲۸ | زمزمه مخالفت ایرانیان با دادن امتیاز به خارجی‌ها ۱۷ |
| مقاومت مردم تبریز در برابر شرکت راهسازی روسی ۲۳ | ترس دولت‌های انگلیس و روس از مداخله در امور ایران ۱۸ |
| فدائیان رشت از قفقاز دستور می‌گرفتند ۲۳ | پادشاهی محمدعلی شاه - بار یافتن سفراء خارجی بنزد شاه ۱۹ |
| مردم رشت از گرفتن جشن پادشاهی محمد علی شاه خودداری کردند ۲۴ | احترام مردم به جنازه مظفرالدین‌شاه و جلوگیری آنها از برده شدن جنازه به کربلا ۱۹ |
| طرح مسئله نوز بلژیکی در مجلس ایران - مقاومت نوز در برابر مجلس ۲۵ | تاج‌گذاری محمدعلی شاه - ولیعهدی احمدشاه ۲۰ |
| تشکیل گروه فدائیان در ایران ۲۶ | نخستین سلام رسمی که در حضور محمد علی‌شاه برگزار شد ۲۱ |
| قتل پرویز شاه جهانیان در یزد - نگرانی زرتشتی‌ها بر جان خودشان ۲۷ | |

- تحصن و عاظ و مردم عادی در شاه عبدالعظیم
۲۷
- مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای
بیگانه ۳۰
- عزل مشیرالدوله از صدارت عظمی ۳۱
- آدم‌کشی و آدم‌سوزی در سبزوار ۳۳
- مردم برای اجراء قول شاه ایران از دولت
های خارجی تضمین می‌خواستند! ۳۳
- نامه سرزنش بارزنان تبریز به مردان شیراز ۳۸
- اغتشاش در کرمانشاه - تحصن همگانی
مردم - برپا کردن چادر بر بام‌خانه‌ها
۳۹
- آدم‌کشان مزدور شاه در اندیشه شکار
آزادبخواهان ۵۱
- بازداشت رحیم‌خان قراجه داغی ضد مشروطه
معروف ۵۱-۵۳
- تعطیل همگانی مردم تهران و جلوگیری
از چراغانی برای تاج‌گذاری شاه ۵۱
- جلوگیری مردم بندراترلی از خارج شدن نوز
بلژیکی ۵۲
- قتل رجب افندی در تهران ۵۲
- توطئه اکرم السلطان برای کشتن اعضای
انجمن ایالتی تبریز ۵۲
- کمیابی نان و شورش مردم در تبریز ۵۳
- کشته شدن یک محترک در تبریز ۵۳
- وضع بدمالی ایران و فرستادن هیأت‌های
تبلیغاتی به خارج ۵۹
- بریکاد قزاق زنجیری برای بردگی ایران ۶۳
- گاردشاهی با فرمانده روسی ۶۴
- شورش در زنجان و اردبیل ۶۶
- شرایط برده وار و استعماری روس و انگلیس
برای دریافت اقساط قرضه خود از
ایران ۶۸
- کشته شدن اتابک اعظم ۶۸
- کاپیتولاسیون انگلیس در ایران ۶۹
- اظهار نظر شگفتی انگیز سفیر انگلیس درباره
شاه ایران ۷۱
- دولت ایران فقط می‌تواند از روس و انگلیس
وام بگیرد! ۷۶
- احساسات میهن پرستانه ایرانیان از نظر سفیر
انگلیس ۷۹
- رئیس دزدها محافظ راه کاروانی مشهد
شد ۸۳
- طرح قرار داد ۱۹۰۷ در مجلس ایران ۸۹
- مرگ ناگهانی و مرموز مشیرالدوله ۸۹
- اخطار درباریان به محمدعلی شاه و منزوی
گردانیدن او ۹۰
- مقالات روزنامه حبل‌المتین درباره قرار -
داد ۱۹۰۷ ۹۳
- قانون اساسی ایران ۹۹
- فروش دختران و زنان ایرانی بوسیله
صنیع‌الدوله ۱۱۰
- زندانی شدن علاءالدوله - تبعید و زندانی شدن
ناصرالملک و وزیران دولت او ۱۱۷
- چاقو کشان مزدور محمدعلی شاه و پذیرائی
شاهانه (!) از آنها ۱۱۹
- سوءاستفاده آصف‌الدوله و مظفر نظام از انبار
مهمات خراسان ۱۲۴
- تبعید علاءالدوله - زندانی شدن ناصرالملک
۱۴۰
- اتحاد ظل‌السلطان با مشروطه‌خواهان ۱۴۴
- شاه ایران از سفراء انگلیس و روس دستور
کار می‌گرفت! ۱۴۶
- از نظر سفیر انگلیس ملت ایران تا دو
نسل دیگر هم شایسته حکومت مشروطه
نیست ۱۴۹
- زرتشتیان ایرانی برای تأمین جان خودشان
از سفارت انگلیس کمک می‌خواستند
۱۶۲
- سوء قصد بیجان محمدعلی شاه ۱۶۸

- تدارك محمدعلی شاه برای سرکوبی مردم
۱۶۹
- گزارش سفیر انگلیس درباره سوءقصد به
محمدعلی شاه ۱۷۰
- غارت مردم بوسیله گارد امیر بهادر ۱۷۱
- تحصن امیر بهادر در سفارت روس ۱۸۴
- فرار نظام السلطنه به قم ۱۸۶
- روس و انگلیس در فکر تغییر سلطنت در
ایران ۱۹۱
- تحصن تقی‌زاده و روزنامه نگاران در سفارت
انگلیس ۱۹۶
- دستگیری روزنامه‌نویسان و آزادیخواهان
دیگر بدستور محمدعلی شاه ۱۹۶
- پناهندگی رئیس مجلس به سفارت فرانسه ۲۰۰
- پناهندگی وزیر مالیه و خانواده‌اش به سفارت
ایتالیا ۲۰۰
- شورش در تبریز ۲۰۰
- انحلال مجلس بدستور محمدعلی شاه ۲۰۰
- حمایت سفارت انگلیس از ظل‌السلطان ۲۰۲
- تلگراف شاه ایران به پادشاه انگلیس ۲۰۴
- جواب‌دادن پادشاه انگلیس به شاه ایران ۲۰۵
- پناهندگی ایرانیان به سفارت روس ۲۳۵
- کودتا در تهران و غارت‌خانه‌های مردم بدست
قوای دولتی ۲۳۶
- دستگیری ملك المتكلمين و جهانگیرخان
صوراسرافیل ۲۳۹
- حکومت نظامی به فرمان لیاخوف ۲۴۳
- ایرانیان مصمم شدند سلطان عثمانی را به
پادشاهی خود برگزینند ۲۷۲
- فرمانفرمای آذربایجان از ورود آذوقه به
شهر تبریز جلوگیری کرد ۲۹۱
- قزاقان روسی در تبریز و ادعای بیطرفی دولت
روسیه ۲۹۵
- روزهای تلخ تبریز ۲۹۷
- دستخط محمدعلی‌شاه درباره انتخابات مجلس
۳۰۶
- انتخابات مجلس و بدقولی‌های محمدعلی
شاه ۳۰۹
- تظاهرات مزدوران شاه علیه مشروطه ۳۱۳
- تلگراف شدیدالحن علماء نجف به محمد
علی شاه ۳۲۱